



Iranian Scientific Association  
of Public Administration



University of  
Sistan and Baluchestan

## Family Governance and a Comparative Analysis of Government Intervention in Family Policies

Fatemeh Zeynodini<sup>1</sup>  | Elham Masoomi<sup>2</sup>  |

<sup>1</sup>Assistant Professor, Family Governance, Faculty of Governance, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: [Zeynodini@ut.ac.ir](mailto:Zeynodini@ut.ac.ir).

<sup>2</sup>PhD candidate, Family Governance, Faculty of Governance, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: [elhammasoomi@ut.ac.ir](mailto:elhammasoomi@ut.ac.ir).

### Abstract:

This article, drawing on historical studies and social policy analysis, explores the transformation of the relationship between the state and the family in Western societies. In the pre-industrial era, families were primarily governed through kinship networks and religious institutions, with minimal state intervention. The onset of the Industrial Revolution and subsequent socio-economic shifts disrupted traditional family structures and led states to develop welfare-oriented systems with broader support for families. In the post-World War II decades, the expansion of social services and citizenship rights reflected a belief in public responsibility for family well-being and security.

With the rise of neoliberalism, state interventions declined, and the privatization of welfare services increasingly cast families as autonomous economic actors. In today's era of digital technologies and artificial intelligence, families face novel challenges and opportunities. These developments necessitate state engagement as a regulator and facilitator, designing policies that uphold individual rights, social justice, and institutional sustainability.

Through a comparative review of traditional family laws and policies, this study shows that although the scope and intensity of state intervention have varied with social change, the legitimacy of state involvement in the private sphere of family life continues to rest on the protection of fundamental rights, the reduction of

inequalities, and the reinforcement of social cohesion. The article concludes by emphasizing the urgent need for family policies that are digital-ready, rights-based, and flexible—empowering families to remain resilient and capable in the face of modern opportunities and risks.

**Key words:**

Family Governance, Family Policymaking, State Intervention in the Family, Social Transformations and the Family, Family Privacy in Digital Age.

**Article type:** Research

---

**Cite this article:** F. Zeynodini, E. Masoomi (2026). Family Governance and a Comparative Analysis of Government Intervention in Family Policies. *Governance and Development Journal*, 6(1), 53-84.

**Received:** 24.05.2025

DOI: 10.22111/jipaa.2026.52144.1054.

**Accepted:** 21.02.2026

**Revised:** 23.01.2026

**Published:** 05.04.2026



© The Author(s)

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

---



دانشگاه تهران، بروجستان

حکمرانی و توسعه

شماره ۱، ۳۴۶-۲۷۸۳

Homepage: www.jipaa.ir



فصلنامه علمی  
مدیریت دولتی و سازمان

## حکمرانی خانواده و مطالعه‌ی تطبیقی روندهای مداخله‌ی دولت در حوزه‌ی خانواده

فاطمه زین الدینی<sup>۱</sup> | الهام معصومی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار، رشته حکمرانی جمعیت و خانواده، دانشکده حکمرانی، دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

ایمیل: Zeynodini@ut.ac.ir

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری تخصصی، رشته حکمرانی جمعیت و خانواده، دانشکده حکمرانی، دانشکده‌گان مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران.

ایمیل: elhammasoomi@ut.ac.ir

### چکیده

این مقاله با بهره از مطالعات تاریخی و تحلیل سیاست‌های اجتماعی، روند دگرگونی رابطه دولت و خانواده در جوامع غربی را بررسی می‌کند. یافته‌های پژوهش گویای آن است که در دوره‌ی پیشاصنعتی، خانواده از طریق شبکه‌های خویشاوندی و نهادهای مذهبی مدیریت می‌شد و مداخله دولت در خانواده نقش حداقلی داشت. آغاز انقلاب صنعتی و دوران پس از آن، با تغییر ساختار اقتصادی و اجتماعی و دگرگونی ساختار سنتی خانواده، دولت‌ها را به شکل‌گیری نظام‌های رفاه‌محور و دخالت گسترده‌تر در حمایت از خانواده‌ها سوق داد. در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم، گسترش ارائه خدمات اجتماعی و حقوق شهروندی نشانگر اعتقاد به مسئولیت عمومی در ارتقای سلامت و امنیت خانوار بود. با ورود به عصر نئولیبرالیسم در اواخر قرن بیستم، کاهش مداخلات دولتی و خصوصی‌سازی خدمات رفاهی، خانواده‌ها را به بازیگران اقتصادی مستقل تبدیل کرد.

امروزه در دوران فناوری‌های دیجیتال و هوش مصنوعی، خانواده با مسائلی نوین مواجه است: مراقبت دیجیتال، کار پلتفرمی، شکاف دسترسی به اینترنت، امنیت سایبری و حریم خصوصی اعضا، چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی را برای خانواده بوجود آورده است. این تحولات

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۱۶

کلیدواژه‌ها:

حکمرانی خانواده،

خط‌مشی‌گذاری خانواده،

مداخله دولت در خانواده،

تحولات اجتماعی خانواده،

حریم خصوصی خانواده در

عصر دیجیتال.

استاد: زین الدینی، فاطمه؛ معصومی، الهام (۱۴۰۵) "حکمرانی خانواده و مطالعه‌ی تطبیقی روندهای مداخله‌ی دولت در حوزه‌ی خانواده" حکمرانی و توسعه،

۵۳-۸۴ (۱).



DOI: 10.22111/jipaa.2026.52144.1054

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

نشان می‌دهد که دولت‌ها باید به‌عنوان تنظیم‌گر و تسهیل‌گر، با طراحی سیاست‌های مبتنی بر حفاظت از حقوق فردی، عدالت اجتماعی و پایداری نهادی، وارد عرصه‌ی حمایت و مراقبت از خانواده شوند. این پژوهش با مروری تطبیقی بر قوانین و خط‌مشی‌های خانواده در سیر تاریخی، نشان می‌دهد که هرچند شدت و قلمرو مداخلات متناسب با تحولات اجتماعی تغییر کرده است، اما منطق مشروعیت دولت در حیطه خصوصی خانواده براساس تضمین حقوق بنیادین، کاهش نابرابری‌ها و تقویت همبستگی اجتماعی پایدار باقی مانده است. در پایان، مقاله بر ضرورت تدوین سیاست‌های خانواده‌محور دیجیتال‌ساز، حقوق‌بنیاد و منعطف تأکید می‌کند تا خانواده‌ها در مواجهه با فرصت‌ها و ریسک‌های معاصر توانمند و تاب‌آور بمانند.

### مقدمه

امروزه در تمام دنیا، خانواده به شکل‌های مختلف در خط‌مشی‌گذاری‌ها و قوانین حضور دارد. گاه دولت‌ها تنها در مسائل مربوط به رفاه خانواده دخالت دارند و گاه نیز برای تمام امور مربوط به خانواده دستورالعمل‌هایی ارائه می‌دهند. خانواده از نهادهای مهم در هر جامعه به حساب می‌آید چراکه مسئولیت تولید و ادامه نسل، پرورش و تربیت او و همچنین آماده ساختن نسل‌های بعدی برای ورود به جامعه و جامعه‌پذیری آن‌ها بر عهده خانواده است. اغلب، تربیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی افراد نیز از خانواده آغاز و در آن نهادینه می‌شود. بخش مهمی از هویت فرد و نگرش وی نسبت به مسائل متفاوت، به‌شدت تحت تأثیر خانواده است. بنابراین منطقی و البته ضروری است که خانواده، توجه دولت‌ها و نهادهای خط‌مشی‌گذار را به خود جلب کند. اما توجه حکمرانان به خانواده در خط‌مشی‌گذاری‌ها همیشه مطرح نبوده است؛ خانواده و مسائل مربوط به آن تا زمانی که چندین دور کاملاً امری خصوصی دانسته می‌شد و بر حسب شکل خانواده در آن زمان، رئیس خانواده، قوم یا طایفه امور مربوط به خانواده را بر عهده داشتند. اصولاً بزرگ‌تر یا به اصطلاح ریش‌سفید قوم، تدابیر حمایتی، مراقبتی، پیشگیرانه و مراقبت‌های اقتصادی، اجتماعی، دینی و سایر امور را می‌انداشید (بوگنشاید، ۲۰۱۴).

در غرب و با شکل‌گیری دولت‌های مدرن، دولت‌ها و ساختار حکمرانی بیشتر متمرکز بر مسائل گسترده‌تر حوزه حکمرانی همچون رشد اقتصادی، امنیت ملی و حقوق فردی بودند. مداخلات دولت در خانواده، با این فرض که مسائل خانواده در حوزه خصوصی حل می‌شوند؛ حداقلی و بسیار ناچیز بود. فرض بر این بود که خانواده و امور مربوط به آن بسیار شخصی و خصوصی هستند و از حوزه دخالت

<sup>1</sup>. Bogenschneider

دولت و دغدغه مداخله حاکمیت حساب نمی‌شدند. پس از تحولاتی که در خانواده و اعضای آن تاثیرگذار بود، همچون تغییر در سبک زندگی، ساختار خانواده، و نقش‌های خانوادگی که از دل انقلاب صنعتی، دولت رفاه و ظهور جنبش‌های اجتماعی مختلف به وجود آمد؛ علاوه بر اینکه دولت‌ها متوجه اهمیت ساختار خانواده شدند، مطالباتی نیز از سوی نهادهای مختلف در جامعه برای توجه دولت به خانواده بوجود آمد. تغییرات جمعیتی مانند سالمندی جمعیت، ظهور جنبش‌های برابری جنسیتی و جنبش‌های کارگری از جمله تغییرات و جنبش‌های مهمی بودند که حاکمیت را به مداخله در حوزه خانواده فرامی‌خواندند. بر اساس مطالعات موجود، خطمشی‌گذاری خانواده به عنوان یک حوزه از خطمشی‌گذاری اجتماعی از اوایل قرن بیستم شکل گرفت (دالی و فراجینا؛ ۲۰۱۸).

از آنجا که مسائل اجتماعی مذکور به گونه‌ای به هم مرتبط بودند و ریشه آنها نیز به نحوی به خانواده باز می‌گشت، توجه دولت به خانواده جلب شد و به تدریج عمق اهمیت مشارکت خانواده برای داشتن جامعه‌ای پایدار را دریافت. بنابراین، از دلایل اصلی وارد شدن خطمشی‌گذاری خانواده به دستور کار دولت‌ها می‌توان به تغییرات گسترده در ساختار خانواده‌ها اشاره نمود؛ تحولات و تنوع در الگوهای ازدواج و همچنین فرزندآوری، افزایش مشارکت زنان در عرصه اشتغال و چالش‌هایی که مسایل نوپدید ایجاد می‌کردند، دولت‌ها را به مداخله، پاسخگویی به نیازهای به وجود آمده و تنظیم‌گری و قاعده‌گذاری واداشت. همچنین فشارهای اقتصادی و گفتمان‌های سیاسی و حقوقی مانند لزوم حمایت از حقوق کودکان و حقوق زنان، افزایش آگاهی عمومی و درخواست برابری جنسیتی و همین‌طور ورود نهادهای بین‌المللی مانند شورای حقوق بشر نیز لزوم مداخله دولت‌ها برای تدوین سیاست‌هایی سازگارتر با خانواده را افزایش داد. اما همان‌گونه که ثلن<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) بیان می‌کند تغییرات سیاستی همیشه به صورت ناگهانی یا در پاسخ به شوک‌های بزرگ رخ نمی‌دهند؛ تغییر تدریجی سیاست‌ها می‌تواند به تدریج نتایج دگرگون‌کننده‌ای در جوامع ایجاد کند. به نظر می‌رسد این مسئله در مورد سیاست‌های خانواده نیز صادق است.

در عین حالی که امروزه و در حکمرانی معاصر، موضوع خانواده به اشکال مختلف و به طور فزاینده در خطمشی‌گذاری‌ها مورد توجه قرار گرفته است؛ اما همچنان فرایند محور قرار گرفتن خانواده در حوزه خطمشی‌گذاری توسط حکمرانان، امری پیچیده و چند بعدی است. مطالعه تاریخی جریان ورود خانواده به عرصه حکمرانی و یا ورود دولت‌ها به امور خانواده، یا به عبارتی سیر تاریخی قرارگرفتن موضوع خانواده در میز حکمرانان و قوای عمومی، علاوه بر ایجاد شناخت نسبت به این موضوع و ارائه ماحصل تجربه تاریخی موجود در این زمینه، می‌تواند راهی برای بازتعریف حکمرانی در امور خانواده یا

<sup>۱</sup>. Daly & ferragina

<sup>۲</sup>. Thelen

حکمرانی خانواده‌محور باشد تا از آن طریق بتوان مداخله حکمرانان در امر خانواده، حدود و میزان آن را برای خطامشی‌گذاران و ساختار حاکمیت تبیین نمود. حکمرانی خانواده‌محور نیازمند فهم صحیحی از نحوه ورود به مسائل خانواده و مخاطب قرار دادن خانواده در مسائل مختلف است تا امروز بتواند سیاست‌های خود را با مسائل پیچیده و درهم‌تنیده‌ای که تنها از راه تقویت و پایداری خانواده می‌توان حل نمود، منطبق گرداند. توصیف و تحلیل این مطلب که چرا و چگونه خطامشی‌گذاری خانواده به دستورکار دولت‌ها و حوزه تنظیم‌گری و قانونگذاری راه یافته‌اند، از جنبه‌های مختلف، دارای اهمیت می‌باشد. این امر سبب می‌شود تا تحولات و عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که باعث مشخص شدن اولویت‌ها در زمینه خطامشی‌گذاری‌ها می‌شوند؛ روشن گردند. همچنین می‌تواند نشان دهد که بازیگران مختلف تاثیرگذار در و تاثیرگذار بر خطامشی‌گذاری‌های خانواده محور چه کسانی هستند. در نهایت، با شناخت این سیر می‌توان تاثیرات بلند مدت سیاست‌های خانواده را بررسی و ارزیابی نمود و به درک بهتری از آنها رسید (باقری، ۱۴۰۳).

امروزه در کشورهای غربی، خانواده به یکی از محورهای اصلی و اساسی مورد توجه حکمرانان در خطامشی‌گذاری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها تبدیل شده است که این امر می‌تواند تحولات اجتماعی و اقتصادی و همچنین نقش خطامشی‌گذاران و ساختار حکمرانی در پاسخ به چالش‌های ناشی از این تحولات در امور خانواده را بازتاب دهد (بوگنشایدنر، ۲۰۱۴). این پژوهش به دنبال بررسی این مسئله خواهد بود که این روند چرا و چگونه شکل گرفته است. چگونه خانواده و مسایل آن مورد توجه خطامشی‌گذاران قرار گرفته و جایگاه آن از یک امر خصوصی به امری با ابعاد عمومی تبدیل شده است. با پاسخ به این سوالات می‌توان علاوه بر کمک به داشتن درکی بهتر از سیاست‌های کنونی، از مسیر آینده حکمرانی خانواده‌محور نیز فهم عمیق‌تری پیدا کرد.

## مبانی نظری پژوهش

### مرور ادبی مفاهیم

#### خانواده

دراثر تحولات عظیمی که در سراسر جهان و به‌ویژه در غرب در خانواده و اشکال آن رخ داده است و با در نظر گرفتن انواع و مدل‌های جدیدی از اجتماع افراد که تحت عنوان خانواده تعریف می‌شوند، از قبیل تک‌والد، تجردی، هم‌باشی، ازدواج سفید، LGBTQ ها و سایر اشکال؛ ارائه تعریف جامعی از

<sup>۱</sup> LGBTQ مخفف این کلمات است L – Lesbian: زنان همجنس‌گرا G – Gay: مردان همجنس‌گرا (گاهی به‌طور کلی برای همجنس‌گرایان استفاده می‌شود) B – Bisexual: دوجنس‌گرا؛ افرادی که به بیش از یک جنسیت جذب می‌شوند T – Transgender – Transgender: افرادی که هویت جنسیتی آن‌ها با جنسیتی که هنگام تولد به آن‌ها اختصاص داده شده، متفاوت است Q – Queer یا Questioning یا در حال پرسش Queer به‌عنوان اصطلاحی جامع برای افرادی که خارج از چارچوب‌های سنتی جنسیت و گرایش جنسی قرار می‌گیرند، استفاده می‌شود Questioning به افرادی اشاره دارد که هنوز در حال کشف و بررسی هویت

خانواده با پیچیدگی روبرو است. البته هر کدام از این انواع و اشکال در برخی جوامع پذیرفته شده و در برخی به رسمیت شناخته نمی‌شوند؛ برای مثال بک-گرنشایم<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) به نقل از لیبی (۱۳۹۳) از خانواده‌های فراملیتی یاد می‌کند. تراسک<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) بیان می‌کند که خانواده موجودی پویاست که تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر آن موثرند، اما خانواده قابلیت سازگار شدن و انطباق با این تحولات را داراست و به همین جهت است که با انواع ساختارها و کارکردهای متنوع آن در جوامع مختلف دیده می‌شود. در همین راستا نیز شارما<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) بر ضرورت ارائه تعریفی نو از خانواده با ترکیب انواع خانواده و واقعیت‌های اجتماعی تاکید می‌کند. با در نظر گرفتن پیچیدگی تعریف خانواده در عصر جدید، چند تعریف از خانواده ارائه شده است: خانواده از گروهی از افراد تشکیل می‌شود که با پیوند زناشویی، به واسطه تولد فرزند و یا حضانت فرزند با یکدیگر ارتباطاتی متقابل مانند زن، شوهر، مادر، پدر، خواهر و برادر پیدا می‌کنند؛ فرهنگ مشترکی را ایجاد کرده و در واحدی خاص زندگی می‌کنند (برگس و لاک<sup>۴</sup>؛ ۱۹۵۳ به نقل از ساروخانی ۱۳۹۸). همچنین در تعریفی دیگر، خانواده گروهی از افراد هستند که با روابط خویشاوندی به یکدیگر وصل می‌شوند و در آن بزرگسالان مسئول مراقبت از کودکان هستند (گلوخیک<sup>۵</sup>؛ ۲۰۲۳). موسسه خانواده ونیر<sup>۶</sup> (۲۰۲۴) نیز خانواده را هر ترکیبی از دو نفر و یا بیشتر می‌داند که در طول زمان با پیوندهای رضایت متقابل، تولد یا حضانت یا سرپرستی با یکدیگر جمع شده‌اند و با هم مسئولیت افزودن اعضای جدید به خانواده، جامعه پذیر ساختن کودکان، هدایت رفتارهای اجتماعی، تولید، مصرف و توزیع کالاها و خدمات و در نهایت عشق و پرورش عاطفی را برعهده می‌گیرند.

### خطامشی‌گذاری

خطامشی‌گذاری علمی است که خود در زیر مجموعه علوم سیاسی قرار می‌گیرد و سیاست‌ها و عملکردهای خاص دولت در زمینه‌های مختلف از جمله سیاست بهداشت، سیاست آموزش، سیاست کشاورزی، سیاست خانواده و سایر رشته‌های خطامشی‌گذاری و زیرمجموعه‌های آن‌ها را مطالعه و بررسی می‌کند (نوبخت، عظیمی و همایونی‌دمیرچی، ۱۴۰۱). حکومت‌ها از طریق سیستم‌های خطامشی‌گذاری عمومی است که در عرصه جامعه‌شان اقدام به عمل می‌کنند (پورعزت و الوانی، ۱۳۸۳). دولت‌ها (که

جنسیتی یا گرایش جنسی خود هستند. در برخی موارد، این مخفف به LGBTQ+ گسترش می‌یابد تا افراد دیگر، مانند Asexual بی‌جنس‌گرا که به هیچ‌کدام از دو جنس گرایشی ندارد و Non-binary افرادی که جنسیت آنها بین دو جنس یا خارج از دو جنس تعریف می‌شود را نیز شامل شود.

<sup>۱</sup>. Beck-Grenshiem

<sup>۲</sup>. Trask

<sup>۳</sup>. Sharma

<sup>۴</sup>. Burgess & Locke

<sup>۵</sup>. Glukhikh

<sup>۶</sup>. The Vanier Institute of the Family

در اینجا به معنای حاکمیت و در بر گیرنده‌ی هر سه قوه مجریه، مقننه و قضاییه می‌باشند) وظیفه دارند تا برای حل مسئله‌های موجود و یا پیش روی جامعه، بهتر شدن شرایط و استفاده از فرصت‌ها، سیاست‌هایی را شکل دهند، اجرا کنند و به ارزیابی آن‌ها بپردازند (دانایی فرد و ولی‌اصل، ۱۳۹۶) به تعبیر الوانی (۱۴۰۲) منظور از خطمشی‌گذاری، سیاست‌های کلی است که برای هماهنگی و انسجام اهداف نظام موجود در جامعه به کار می‌رود و ارزش‌های جامعه و دولت را منعکس می‌سازد. همچنین خطمشی‌گذاری به تعیین ضمنی یا صریح اقدامات هدفمندی که برای رسیدگی به یک مسئله یا مشکل، دنبال می‌شوند و یا نیاز است که دنبال شوند؛ نیز اطلاق می‌گردد (نادزور؛ ۲۰۰۹). جهان‌بین و مطلبی (۱۴۰۳) نیز خطمشی‌گذاری را فرآیندی ساختار یافته و چرخه‌ای از مراحل تعیین مسئله، تدوین سیاست، اجرای سیاست و ارزیابی و بازنگری معرفی می‌کنند که برای هدایت و بهبود سیاست‌های عمومی مورد بررسی قرار می‌گیرد. خطمشی‌گذاری در واقع به‌طور کلاسیک، عقلانی، متوالی و خطی است و مسائل را تعریف، تحلیل و انتخاب، اجرا و ارزیابی می‌کند (حاجی‌عباسی، ۱۳۹۹). اما امروزه در بیان مفهوم خطمشی‌گذاری بیشتر آینده‌نگری و نگاه معطوف به آینده در خطمشی‌گذاری‌ها مورد توجه قرار دارد (کازکیما و راپلی؛ ۲۰۲۵).

### خطمشی‌گذاری خانواده

درک مفهوم خطمشی‌گذاری خانواده، از اهمیت زیادی در این مقاله برخوردار است، زیرا خطمشی‌گذاری در حوزه خانواده می‌تواند تاثیر بسزایی بر رشد اقتصادی، کاهش آسیب‌ها و سلامت روانی و اجتماعی افراد داشته باشد. سیاست خانواده نه‌تنها به عنوان یک هدف نهایی، بلکه به عنوان معیاری برای ارزیابی تاثیر سایر سیاست‌ها و به عنوان ابزاری برای دستیابی به سایر اهداف خطمشی نیز بیان می‌شود (بوگنشایدنر و کوربت، ۲۰۱۰). بوگنشایدنر (۲۰۰۶) سیاست خانواده را اقداماتی می‌داند که دولت با هدف حمایت و بهبود رفاه خانواده و استحکام روابط بین اعضای خانواده، تنظیم و اجرا می‌کند. بنا بر تعریفی دیگر خطمشی‌گذاری خانواده آن است که دولت‌ها برای کودکان و خانواده‌های آن‌ها انجام می‌دهند؛ به‌ویژه آن دسته از سیاست‌های عمومی اعم از قوانین و مقررات که برای تاثیر بر وضعیت خانواده‌های دارای فرزند چه از طریق تولد، حضانت یا سرپرستی، تدوین شده و همچنین آن دسته از سیاست‌ها که پیامدهای روشنی برای خانواده‌ها دارند، حتی اگر تاثیرات آن در نظر گرفته نشده باشد (برگر و کارلسون، ۲۰۲۰). سیاست خانواده همچنین، به دنبال رفع موانع و مشکلات بین خانواده و اجتماع با هدف بهبود شرایط خانواده است (زیمزمن؛ ۲۰۱۱<sup>۵</sup> به نقل از باقری، ۱۴۰۳).

<sup>1</sup>. Nudzor

<sup>2</sup>. Koskimaa & Rapeli

<sup>3</sup>. Bogenschneider & Corbett

<sup>4</sup>. Berger & Carlson

<sup>5</sup>. Zimmerman

سیاست‌های خانواده می‌توانند به اشکال مختلفی دسته‌بندی شوند. سیاست‌های بارز و مستتر یکی از این نمونه دسته‌بندی‌هاست. سیاست‌های بارز، سیاست‌هایی هستند که هدفمند و آگاهانه برای خانواده‌ها و به‌طور مستقیم، به منظور حل مسئله‌ای در حوزه خانواده تدوین شده‌اند؛ مثل مرخصی زایمان و یا قوانین مربوط به خشونت خانگی (بوگشنایدر، ۲۰۱۴ و رویبلا؛ ۲۰۱۴). در مقابل سیاست‌های مستتر، آن دسته از سیاست‌ها هستند که موضوع اصلی خط‌مشی‌گذار محل مسئله‌ای غیر از خانواده است اما تدوین آن سیاست غیر مستقیم بر خانواده موثر است؛ مانند قوانین مربوط به مهاجرت.

تقسیم‌بندی دیگر در این زمینه تقسیم سیاست‌ها به مشاهده‌محور و تئوریک است. خط‌مشی‌گذاری‌های مشاهده‌محور که مبتنی بر پژوهش‌ها و داده‌های معتبر تنظیم می‌شوند و همین‌طور خط‌مشی‌گذاری‌های تئوریک که بر اساس تئوری‌های موجود در مورد خانواده طرح‌ریزی می‌شوند (رویبلا، ۲۰۲۰).

موضوع خط‌مشی‌گذاری‌های حوزه خانواده در چند قسمت مطرح شده است: تشکیل خانواده (ازدواج، طلاق، حضانت یا سرپرستی فرزندان و مراقبت از اعضای خانواده)، حمایت اقتصادی و فراهم آوردن بستری برای خانواده‌ها به منظور توانایی حمایت از اعضا، حمایت از خانواده در روابط عاطفی به منظور افزایش تعهد افراد، رشد و تعالی و پیشرفت فرزندان (باقری، زارعان و برزگر، ۱۳۹۸).

سیاست خانواده و خط‌مشی‌گذاری‌های حوزه خانواده از مسائل بسیار پیچیده‌ای است که نیازمند همکاری‌ها و هماهنگی‌های مداوم بین بازیگران و گروه‌های ذی‌نفع مانند دولت‌ها، نخبگان و خبرگان خط‌مشی‌گذار، جامعه علمی، سازمان‌های مردم‌نهاد و همچنین خانواده‌ها می‌باشد (باقری، ۱۴۰۳). خط‌مشی‌گذاری خانواده همواره با چالش‌هایی نیز روبرو است که از میان آن‌ها می‌توان به چالش‌های مالی، تضادهای فرهنگی و اجتماعی و همچنین تعدد سیاست‌ها و نهادهای خط‌مشی‌گذار و فقدان هماهنگی بین آن‌ها، اشاره نمود (هدایت‌نیا گنجی، ۱۴۰۱).

### روش پژوهش

پژوهش تاریخی به کارگیری روش علمی در مسئله‌های تاریخی است. در واقع، پژوهشی منظم در اسناد و مدارک و منابعی درباره گذشته است که در مورد سوال تحقیق، حقایق را بیان می‌کنند. به نقل از دلاور (۱۳۹۰) پژوهش تاریخی در حقیقت پرداختن به وقایعی است که قبل از اینکه پژوهشگر تصمیم به مطالعه‌ی آن داشته باشد رخ داده‌اند. در این روش، پژوهشگر به دنبال یافتن داده‌ها و اطلاعات موجود است و این امر با بررسی گزارش‌ها، مدارک، کتب و مقالات انجام شده درباره‌ی موضوع صورت می‌گیرد (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۹۰).

<sup>1</sup>. Robila

در این راستا، از رویکرد کیفی و روش مرور تاریخی استفاده شده است که با مراجعه به مقالات علمی مرتبط که در پایگاه‌های علمی معتبر منتشر شده‌اند به بررسی رویدادهای تاریخی، تحولات اجتماعی و سیاسی و مسائل اقتصادی، برای درک وسیع‌تری از تحولات منجر به ظهور و اتخاذ این سیاست‌ها می‌پردازد. بنابراین در این تحقیق به تمامی انواع سیاست‌های ایجاد شده و موجود و همین‌طور تحلیل آن‌ها پرداخته نمی‌شود، بلکه هدف از این پژوهش، ارائه چارچوب جامعی از تحلیل چگونگی و چرایی ظهور سیاست‌های خانواده‌محور در دستورکار حکمرانی در کشورهای غربی است.

در این پژوهش ابتدا مفاهیم کلیدی تعریف می‌شوند. پس از آن، دوره‌های زمانی بر اساس تاثیری که بر ظهور سیاست‌های خانواده در خط‌مشی‌گذاری‌ها داشته‌اند، طبقه‌بندی می‌شوند و شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هر دوره و ساختار خانواده در آن زمان تشریح می‌گردد. سپس به تحولات اجتماعی و اقتصادی خاص که بر روند خط‌مشی‌گذاری خانواده موثر بوده‌اند نیز پرداخته می‌شود. در نهایت نیز تحلیلی از چرایی و چگونگی ظهور سیاست‌های خانواده در حکمرانی کشورهای غربی ارائه می‌گردد.

### یافته‌ها

#### سیر تاریخی ظهور خط‌مشی‌گذاری خانواده در حکمرانی

##### دوره پیشاصنعتی<sup>۱</sup>

در جوامع غربی زمان پیشاصنعتی، خانواده با ساختار فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی عجین بود و به عنوان واحدی کارکردی، نقش بسزایی در تولید و باز تولید در تمامی زمینه‌ها ایفا می‌نمود. ساختار خانواده‌ها در آن دوره اغلب از نوع گسترده<sup>۲</sup> بود. اگرچه (اهمر،<sup>۳</sup> ۲۰۲۱)، ادعا می‌کند که در جوامع پیشاصنعتی انواع ساختارهای خانواده وجود داشته‌اند؛ او توضیح می‌دهد که بر خلاف تصور رایج خانواده‌های اروپایی در آن دوران متنوع بوده و الگوی مشخص و واحدی برای خانواده وجود نداشته است. برای مثال در اروپای شمال غربی مانند انگلستان، هلند، اسکانداویا، شمال فرانسه و بخش‌هایی از آلمان، الگوی خانواده‌ها بیشتر خانواده هسته‌ای<sup>۴</sup> بود؛ بدین شکل که افراد پس از ازدواج خانه پدر و مادر را ترک می‌کردند و مستقل زندگی می‌کردند. در آن مناطق، مجرد قطعی، آمار بالایی داشت و افراد معمولاً در سنین بالا ازدواج می‌کردند (اهمر، ۲۰۲۱). اما همچنان می‌توان گفت که الگوی غالب خانواده، خانواده گسترده بود (لسلت؛<sup>۵</sup> ۱۹۷۰). در خانواده‌های گسترده، معمولاً چند نسل در کنار هم زندگی می‌کردند، ازدواج‌ها بیشتر بر پایه تحکیم روابط اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی صورت می‌گرفتند و جنبه عملی داشتند، در واقع عشق مبنای انتخاب برای ازدواج نبود. در خانواده‌ی گسترده،

<sup>۱</sup>. Pre-industrial

<sup>۲</sup>. Extended Family

<sup>۳</sup>. Ehmer

<sup>۴</sup>. Nuclear Family

<sup>۵</sup>. Laslett

زوج‌هایی که تازه ازدواج کرده بودند در خانواده پدری شوهر، زندگی خود را تشکیل می‌دادند (مک‌فارلین، ۱۹۷۹).

خانواده واحد اصلی اقتصادی در جامعه محسوب می‌شد. اقتصاد خانواده نیز بیشتر مبتنی بر کشاورزی و دامداری بود و تمام اعضای خانواده اعم از مردان، زنان و فرزندان در انجام امور نقش داشتند. از این رو اقتصاد خانواده مبتنی بر وابستگی متقابل بود و هر فرد عنصر مهمی در رفاه جمع به حساب می‌آمد (فیستر، ۲۰۰۸). با این حال می‌توان تقسیم کار سنتی که در آن مرد امور بیرون از خانه و نان‌آوری را به عهده دارد و زن کار خانه و مراقبت از اعضای خانواده به‌ویژه کودکان را بر عهده دارد، برای این دوران متصور شد (لیبی، ۱۳۹۳). نظام حاکم بر جوامع پیشاصنعتی، نظام پدرسالارانه شدید بود. ارت نیز از طریق خط خونی مرد و به صورت مشترک بین اعضای خانواده تقسیم می‌شد و همچنین، خانواده‌های گسترده، غالب بودند (آدامز، ۲۰۰۵).

در دوره پیشاصنعتی در کشورهای غربی، دولت در امور خانواده دخالت خاصی نداشت. اگر در زمینه‌ای نیز دخالت می‌نمود، این امر به شکل محدود و غیر مستقیم بود. چراکه خانواده خود امور خود را سر و سامان می‌بخشید و حل اختلافات از طریق بزرگ خانواده انجام می‌شد. اما با گذشت زمان و به تدریج، دولت با هدف ایجاد نظم عمومی، حفظ ساختارهای اجتماعی، دخالت در امور خانواده را که تا به حال خود خانواده مسئول آن بود، آغاز نمود. اما این دخالت‌ها اغلب از طریق نهادهای مذهبی مانند کلیسا اجرا می‌شدند. برای مثال یکی از مواردی که دولت از طریق کلیسا به آن وارد شد مسئله ازدواج و طلاق بود. ازدواج و طلاق تحت حاکمیت شدید کلیسا بود و بنا بر عقیده کاتولیک‌ها فسخ ازدواج و امکان اجرای طلاق به شدت محدود بود. دولت‌های غربی نیز از این قوانین مذهبی حمایت می‌کردند چون بر این اعتقاد بودند که ازدواج پایدار، باعث حفظ نظم اجتماعی خواهد بود (استون، ۱۹۷۹). پس از اصلاحات پروتستانی، در کشورهایی مانند انگلستان قوانینی مانند قانون ازدواج ۱۷۵۳<sup>۳</sup> ایجاد گردید که کنترل ازدواج را از دست کلیسا خارج کرد و به دست دولت سپرد. قوانینی از این دست، آغاز افزایش دخالت دولت‌ها در امور خانواده بودند (پرابت، ۲۰۰۹). در دوران پیشاصنعتی در جوامع غربی، دولت باز هم از طریق کلیسا بر رفتارها و روابط خانوادگی و اخلاقی کنترل خود را شروع کرد. در این دوران، قوانین مربوط به منع روابط خارج از ازدواج و فرزندان نامشروع، منع روابط غیر اخلاقی جنسی و سقط

<sup>1</sup>. Macfarlane

<sup>2</sup>. Pfister

<sup>3</sup>. Adams

<sup>4</sup>. Stone

<sup>5</sup>. Marriage Act 1753

<sup>6</sup>. Probert

جنین که با سخت‌ترین مجازات‌ها همراه بود را می‌توان از انواع دخالت دولت در امور خانواده بر شمرد (سکومب، ۱۹۹۰).

گاهی نیز ورای مداخلات اخلاقی و ارزشی از سوی دولت، مداخلاتی با جنبه حمایتی از افراد و خانواده صورت می‌گرفت. در این راستا مسئولیت‌هایی در راستای حمایت از خانواده و رفع نیاز خاصی از افراد مانند حمایت از فقرا، بر عهده دولت‌ها قرار می‌گرفت. قوانین فقرای الیزابتی<sup>۲</sup> از این دست حمایت‌ها بودند که اصولاً می‌بایست برای کمک به خانواده‌های فقیر، ایجاد کارخانه‌ها و حمایت از کودکان بی‌سرپرست انجام می‌گرفتند؛ اما انجام این حمایت‌ها همراه با شرایط سخت و تحقیرآمیز انجام می‌شد و کمتر جنبه سیاست رفاهی برای خانواده‌ها و افراد داشت (یرلی،<sup>۳</sup> ۲۰۲۰). در برخی کشورها مانند سوئد و آلمان، در عصر پیشاصنعتی، به تدریج قوانینی برای اجباری ساختن آموزش ابتدایی صورت گرفت که این امر نیز قبل از آن و البته در باقی کشورها توسط خانواده و برخی اوقات توسط کلیسا انجام می‌شد (کارل،<sup>۴</sup> ۲۰۰۹). در اواخر دوره پیشاصنعتی با اینکه دخالت‌های دولت کمتر مبتنی بر رفاه جامعه و بیشتر به منظور حفظ نظم عمومی، کنترل امور اخلاقی و کاهش هزینه‌های دولت بود اما همین امر پایه‌گذار اقدامات بعدی و افزایش حضور خانواده در خط‌مشی‌گذاری‌ها گردید.

### دوره صنعتی شدن<sup>۵</sup>

در اواسط قرن هجده، در بریتانیا، به دلیل پیشرفت‌های بی‌شمار علمی و صنعتی، تغییرات چشمگیری رخ داد که به انقلاب صنعتی مشهور شد. در اوایل قرن نوزده کشورهای چو بلژیک و فرانسه و در اواسط قرن نوزدهم، آلمان و در اواخر آن قرن نیز آمریکا و به تدریج دنیا شاهد انقلاب صنعتی در جوامع خود بودند. پیشرفت‌هایی مانند اختراع ماشین بخار، انواع ماشین‌آلات کشاورزی که به انقلاب کشاورزی منجر و مشهور گردید، ماشین‌های نساجی، توسعه فولاد و آهن که تولید راه‌آهن را ممکن ساخت؛ همچنین تجارت جهانی و رشد بانکداری و سرمایه‌داری (از طریق استعمار هند و آمریکا)، به‌وجود آمدن کارخانه‌ها و سیستم تولید، گسترش حمل و نقل از راه کشتی و راه آهن، همه از مثال‌های پیشرفت‌هایی بود که در بریتانیای آن روز اتفاق افتاد و به انقلاب صنعتی معروف گشت (اوگلیوی،<sup>۶</sup> ۱۹۹۶).

انقلاب صنعتی با تغییراتی که در جوامع به وجود آورد، تاثیر شگرفی بر خانواده، ساختار آن، روابط حاکم بر آن و در نهایت کارکرد خانواده گذاشت. با انقلاب کشاورزی و جایگزین شدن آدم‌ها با ماشین‌های کشاورزی و همچنین با سر برافراشتن کارخانه‌ها، سیل افراد از روستاها به شهرها سرازیر شد.

<sup>۱</sup>. Seccombe

<sup>۲</sup>. Elizabethan poor law

<sup>۳</sup>. Yerli

<sup>۴</sup>. Carl

<sup>۵</sup>. Industrialization

<sup>۶</sup>. Oglivie

شهرنشینی گسترش یافت و این امر، تغییر ساختار خانواده را موجب گردید. ساختار خانواده که تا آن زمان به شکل گسترده بود به دلیل مهاجرت افراد، به خصوص جوان‌ها، به شکل هسته‌ای و مستقل تغییر یافت (گود، ۱۹۹۶).

این موضوع ناشی از تغییر سیستم اقتصادی خانوادگی که در دوره پیشاصنعتی بر خانواده‌ها حاکم بود، به سیستم اقتصادی دستمزدی به دلیل کار در کارخانه‌ها و مراکز تولید، نیز بود. به همین ترتیب تقسیم کار نیز که تا آن زمان بین تمام اعضای خانواده البته با سرپرستی و محوریت مرد در خانواده‌ها وجود داشت، به طور مشخص‌تر به مرد، نان‌آور اصلی، زن و کودک در حاشیه و در خانه تبدیل شد. به این صورت که زنان یا در خانه می‌ماندند و یا کارهای بسیار کم ارزش در کارخانه‌ها و دیگر مراکز انجام می‌دادند و کودکان نیز به کارگرهای ارزان و در دسترس بدل شدند. لوین<sup>۲</sup> (۱۹۸۵) ادعا می‌کند که این امر آغاز و علت تفکیک حوزه عمومی و خصوصی نیز بود. از این رو خانواده دیگر خودکفا نبود و به دستمزد کارخانه‌ها وابسته گردید که این خود، خانواده‌ها را در برابر بیماری‌ها، بیکاری، حوادث و یا مرگ نان‌آور خانه، بسیار آسیب‌پذیر نمود.

با انقلاب صنعتی و رشد شهرنشینی و تغییرات به وجود آمده در شکل و ساختار و روابط بین افراد در خانواده، بحران‌های اخلاقی، طلاق‌های غیر رسمی و کودکانی که در خیابان‌ها رها می‌شدند نیز افزایش یافت. همچنین به دلیل مهاجرت از روستاها به شهر و افزایش جمعیت، فقر بر قسمت عظیمی از جامعه سایه افکند و تمام کودکان را به کارهای طاقت‌فرسا واداشت و به همین جهت بیماری و شرایط بد زندگی گریبان‌گیر جوامع شد (بارکر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷). در اینجا بود که ضرورت مداخله دولت‌ها در حوزه خصوصی زندگی افراد و خانواده‌ها بوجود آمد و دولت‌ها مداخلات خود در امور افراد و به طبع آن خانواده را افزایش دادند. هرچند مردم نیز در واکنش به طبقاتی شدن جامعه و برای دستیابی به اصلاحات و اعتراض به شرایط جدید، جنبش‌هایی مانند جنبش کارگری ترتیب دادند و به دولت فشار آوردند (هارل و هامفریس<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷).

بنابراین، دولت برای اصلاح امور و حل مشکلات ناشی از صنعتی شدن، تدابیری اندیشید و دست به تدوین قوانین و برنامه‌هایی زد که روابط افراد، خانواده و جامعه جدید را تنظیم نماید. تصویب قوانینی همچون قوانین کار و قوانین محدودیت کار کودکان بریتانیا<sup>۵</sup> ۱۸۳۳، آموزش اجباری ابتدایی بریتانیا<sup>۶</sup> ۱۸۷۰ و در پی آن انتقال کودکان از کارخانه‌ها به مدارس، قانون سلامت عمومی بریتانیا، الزام

<sup>1</sup>. Good

<sup>2</sup>. Levine

<sup>3</sup>. Barker

<sup>4</sup>. Horrell & Humphries

<sup>5</sup>. Factory Act 1833

<sup>6</sup>. Education Act 1870

تامین آب آشامیدنی و سیستم فاضلاب، واکسیناسیون اجباری در آلمان و بریتانیا، ممنوعیت کار زنان در معادن و شب‌کاری، کمک هزینه‌های حمایتی برای مادران بدون همسر برای جلوگیری از رها کردن فرزندانشان در خیابان، قانون فقرای جدید<sup>۱</sup> ۱۸۳۴ بریتانیا، از مثال‌های مهم ورود دولت به عرصه تنظیم‌گری در حوزه خانواده هستند (هارل و هامفریس، ۱۹۹۷).

بدین ترتیب می‌توان گفت که میزان دخالت دولت در امور خانواده نسبت به قبل از صنعتی شدن افزایش یافت. هرچند همچنان این دخالت‌ها متمرکز بر حل بحران‌های ایجاد شده بود. همان‌طور که از نوع قوانین می‌توان دریافت، خط‌مشی‌گذاری‌ها اغلب غیر مستقیم، مراقبتی و در واکنش به شرایط به وجود آمده تدوین می‌شدند. تجربه دولت‌ها در این دوره‌ی گذار، اساس تدوین سیاست‌هایی در مورد خانواده، در دوره‌های بعد گردید.

## دوره دولت رفاه<sup>۲</sup>

همان‌طور که اشاره شد، تحولات اقتصادی و تغییرات اجتماعی ناشی از انقلاب صنعتی دولت‌ها را وادار به واکنش و ورود به عرصه‌های جدید در زندگی افراد در جامعه نمود. همچنین مردم نیز طی جنبش‌های کارگری و جنبش‌های اصلاح‌طلبانه برای ایجاد اصلاحات و بهبود شرایط جامعه به ویژه کارگران و قشرهای کم‌درآمد، خواستار مداخله دولت شدند. در قرن بیستم و بروز جنگ جهانی دوم، مشکلات اقتصادی، معیشتی، بهداشتی و اجتماعی و ... در جامعه، بسیار بیشتر از پیش گردید. بنابراین دخالت در امور جامعه برای دولت به یک ضرورت تبدیل شد. همچنین ظهور ایدئولوژی‌های جدیدی مانند افکار سوسیالیستی و کمونیستی که رفاه جامعه را شعار می‌دادند نیز دلیل دیگری برای افزایش مداخله دولت‌ها در امور بود. دولت‌ها با تدوین سیاست‌های رفاهی برآن بودند تا از پیوستن مردم به این ایدئولوژی‌ها جلوگیری کنند (بریگس،<sup>۳</sup> ۱۹۶۱).

بعد از جنگ جهانی دوم، کشورهای بسیاری از جمله سوئد، نروژ، دانمارک و آلمان سیستم دولت رفاه را اجرا نمودند. برای مثال در آلمان، در دهه ۱۸۸۰، صدراعظم آلمان بیسمارک<sup>۴</sup> سیاست رفاهی بیمه اجتماعی را راه‌اندازی کرد که شامل بیمه افراد در مقابل بیماری‌ها، حوادث و بازنشستگی می‌شد. هدف بیسمارک از این سیاست مبارزه با نفوذ افکار سوسیالیستی بود. در بریتانیا نیز، گزارشی تحت‌عنوان گزارش بوربیج<sup>۵</sup> تهیه شد که در آن از فقر، جهل، بیماری، بیکاری و نابسامانی، به عنوان پنج شیطان نام برده شد. این گزارش دولت را وادار کرد تا سیاست‌هایی مانند بیمه اجتماعی و یا خدمات بهداشت عمومی را تدوین کند (باقری، ۱۳۸۳).

<sup>۱</sup>. New Poor Law 1834

<sup>۲</sup>. Welfare State

<sup>۳</sup>. Briggs

<sup>۴</sup>. Bismark

<sup>۵</sup>. Beveridge Report

سیاست‌های رفاهی دولت رفاه را می‌توان در چند مورد نام برد که در رفاه و بهبود شرایط عمومی جامعه بسیار موثر و به طور مستقیم و غیر مستقیم بر خانواده نیز تاثیر گذاشت (پرکت؛ ۱۳۸۹). ارائه خدمات بیمه اجتماعی شامل انواع بیمه‌ها به منظور مقابله و کاهش فقر، ارائه خدمات بهداشت عمومی با هدف دسترسی عموم جامعه به بهداشت و درمان و مقابله با بیماری، آموزش رایگان و یا پرداخت یارانه و کمک هزینه برای آموزش به منظور مقابله با جهل و ناآگاهی، تامین مسکن ارزان قیمت برای قشرهای ضعیف و کم درآمد به صورت ساخت مسکن و یا کمک هزینه برای ساخت، سیاست اشتغال-زایی با هدف کاهش بیکاری که با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، ایجاد شغل و حمایت از شاغلین و کارگران ارائه می‌شود، از سیاست‌های مهم موثر بر خانواده در دولت رفاه هستند. از اقدامات مهم دیگر دولت رفاه ایجاد سیستم‌های مالیاتی توسط دولت‌ها است که برای کاهش فقر و ارائه کمک به افراد ضعیف و کم درآمد، برنامه‌ریزی می‌شود (زاهدی مازندرانی، ۱۳۹۷).

خانواده در زمان حاکمیت دولت رفاه، به خانواده‌های هسته‌ای و افزایش خانواده‌های تک‌والد تغییر شکل داده بود. به دلیل شرایط اقتصادی آن روز زنان علاوه بر کار در خانه در کارخانه‌ها و دیگر مراکز، هرچند با حقوقی کمتر از مردان، مشغول به کار بودند (شعرباف شعار و احمدی، ۱۳۸۷). به دلیل وجود مدل‌های مختلفی از دولت‌ها، مانند مدل سوسیال دموکرات، مدل محافظه‌کار و مدل لیبرال، مدل‌های متفاوتی از سیاست‌های خانواده نیز در کشورهای مختلف تدوین می‌شد (اسپینگ - اندرسون؛ ۱۹۹۶).

در مدل سوسیال دموکرات که در کشورهایی مانند سوئد و نروژ حاکم بود، بیشتر سیاست‌های اعمال شده در خانواده با هدف تساوی جنسیتی و حمایت از زنان در بازار کار بود. در این کشورها حمایت‌های گسترده‌ای مثل مرخصی برای والدین، آموزش رایگان برای کودکان، مراقبت از کودکان، ایجاد مهدکودک‌های کم‌هزینه با کیفیت بالا و سیاست‌هایی از این دست ارائه می‌شد (دوواندر؛ ۲۰۰۸).

کشورهایی مانند آلمان و فرانسه، با مدل حاکمیت محافظه‌کار، به دنبال حمایت از شکل سنتی خانواده و تقسیم کار جنسیتی سنتی بین زن و مرد بودند. سیاست‌هایی که این دولت‌ها برای خانواده تدوین کردند، بیشتر بر پایه کمک‌های مالی به خانواده‌ها برای مراقبت از اعضای خانواده به خصوص کودکان بود. همچنین مرخصی‌های زایمان با حقوق نیز، نمونه دیگری از این سیاست‌ها بود (فلکنشتاین؛ ۲۰۱۱ و مارتین؛ ۲۰۱۰).

<sup>1</sup>. Perkett

<sup>2</sup>. Sping - Andersen

<sup>3</sup>. Duvander

<sup>4</sup>. Flecknestien

<sup>5</sup>. Martin

در مدل لیبرال که در کشورهایمانند ایالات متحده و بریتانیا حکم‌فرما بود، حمایت‌های محدودتری نسبت به دو مدل دیگر ارائه می‌شد. بیشتر حمایت‌های دولت لیبرال ویژه خانواده‌های آسیب‌پذیر و کم درآمد بود. از آنجا که دولت‌های لیبرال تاکید بیشتری بر بازار آزاد و حقوق فردی افراد داشتند، در سیاست‌های حمایتی خانواده تنها به کمک‌های مالی محدودی اکتفا می‌کردند. از این رو در این دولت‌ها، خدمات مراقبتی از کودکان، پرهزینه و به شکل خصوصی بود (ا-کانر، اُرلاف و شیور، ۱۹۹۹). به طور کلی می‌توان تحولات اجتماعی در دوران رفاه را دلیل اصلی مداخله و ورود دولت در امر خانواده دانست؛ افزایش مشارکت زنان در بازار کار، کاهش نرخ تولد، و پیری جمعیت، از مهمترین دلایلی بودند که دولت را به دخالت در امور خانواده واداشتند (سینزبری، ۲، ۱۹۹۹). خط‌مشی‌گذاری‌های دولت رفاه درحالی‌که در قالب برنامه‌هایی اجتماعی و جامع برای کاهش فقر و کاهش نابرابری‌ها بودند و مانند دوران گذشته واکنشی نبودند و اما همان‌طور که در انواع سیاست‌ها دیده می‌شود، دخالت‌های دولت، با اهداف حمایتی، مراقبتی و در راستای بهبود کیفیت زندگی افراد در جامعه و توسعه جامعه صورت می‌گرفت و با تحولات خود خانواده بر اثر تغییر شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، خود را با شرایط خانواده منطبق می‌نمود. به عبارت دیگر، دولت‌ها به دنبال برنامه‌ها و یا سیاست‌هایی مستقل برای ارتقای کیفیت خانواده و پایداری آن و به طور کلی پیشرفت و بهبود اوضاع نهادی به نام خانواده نبودند، بلکه شرایط خانواده تابعی از شرایط سایر سیاست‌ها در مورد افراد و توسعه در جامعه بود. دولت رفاه، دستاوردها و موفقیت‌های زیادی را به همراه داشت؛ از جمله ایجاد دسترسی همگانی به آموزش و بهداشت، کاهش فقر و نابرابری و کم کردن تبعیض‌ها به‌ویژه تبعیض جنسیتی. هنوز هم کشورهایی مانند نروژ، دانمارک و سوئد با سیاست دولت رفاه به اداره امور کشور می‌پردازند. اما مانند هر سیستم دیگر دولت رفاه نیز با چالش‌هایی روبرو شد. یکی از این چالش‌ها، هزینه‌های هنگفتی بود که دولت‌ها برای ارائه خدمات در زمینه‌های گوناگون اختصاص می‌دادند که به زعم برخی متخصصان، باعث توقف رشد اقتصادی می‌شد. چنانچه در بحران‌های مالی مانند بحران مالی ۲۰۰۸ این دولت‌ها با مشکلات فراوانی روبرو شدند. چالش دیگر مورد انتقاد برخی از صاحب‌نظران به سیستم دولت رفاه این است که این نوع از اداره جامعه، افراد جامعه را به شدت به دولت وابسته می‌کند و انگیزه افراد برای تلاش و کار را کم می‌کند. تغییرات بازار کار، اتوماسیون پیشرفته و جهانی شدن می‌تواند مشکلاتی برای این دولت‌ها ایجاد کند. علاوه بر این، با توجه به مهاجرت‌های روزافزون به این کشورها نوعی نابرابری در دسترسی به امکانات و خدمات ایجاد شده است و گروه‌های اقلیت و مهاجرین کمتر از این سیاست‌های رفاهی بهره‌مند شده‌اند. یکی دیگر از انتقادات به دولت رفاه، انتقادات ایدئولوژیکی بود که

<sup>1</sup>. O-Conner, Orloff & Shaver

<sup>2</sup>. Sainsbury

به دولت رفاه وارد می‌شد. برای مثال با پررنگ‌تر شدن مکاتب فکری مانند نئولیبرالیسم، دولت‌های رفاه به این متهم شدند که بیش از اندازه در اقتصاد دخالت می‌کنند. مداخله زیاد دولت در اقتصاد، به عقیده نئولیبرال‌ها باعث می‌شود که کارایی بازار کار کم گردد و در نتیجه رشد اقتصادی اتفاق نیفتد (بلکروویکز و رادزیکوفسکی، ۲۰۱۸).

## دوره نئولیبرالی<sup>۲</sup>

در امتداد و در انتقاد از دولت رفاه در بسیاری از کشورهای غربی دولت‌های نئولیبرال بر سر کار آمدند. نئولیبرالیسم تحت تاثیر تفکرات اقتصادی کسانی چون فردریک هایک و میلتون فریدمن<sup>۳</sup> شکل گرفت که تمرکز و تاکید زیادی بر کاهش نقش دولت و تغییر ساختار دولت و بازار داشت (درویشی و مومنی، ۱۴۰۰). نئولیبرالیسم، آغاز گذار از دوران مدرن که انقلاب صنعتی و دولت رفاه را شامل می‌شد؛ به دوره پست مدرن است.

نئولیبرال‌ها بر نقش حداقلی دولت تاکید داشتند و بر این عقیده بودند که دارایی‌های دولتی مانند معادن، صنایع، انرژی، حمل و نقل و خدمات عمومی باید خصوصی‌سازی شوند. قوانین و مقررات مالی و کاری برای افزایش رقابت باید اعمال گردند. دولت‌های نئولیبرال برای توجیه کسری بودجه خود سیاست‌های رفاهی که در دوره قبل بسیار مورد توجه بودند، مثل خدمات آموزشی و بهداشتی، را کاهش دادند که این موضوع خود نابرابری‌ها را تشدید نمود. جهانی‌سازی اقتصاد، اصلاحات مالیاتی که بیشتر به نفع ثروتمندان بود، تضعیف اتحادیه‌های کارگری و گسترش مشاغل موقت نیز از پیامدهای سیاست‌های دولت‌های نئولیبرال بودند. شاید مهمترین نتیجه دولت نئولیبرال تعریف دوباره مفهوم شهروند بود. شهروندی که با محق بودن از برخورداری از خدمات عمومی برای دولت‌ها تعریف می‌شد، اکنون به مصرف‌کننده کالاها و بازار تغییر معنا پیدا کرده بود. دولت نئولیبرال عملاً دولتی بود که هزینه‌های بسیاری را بر دوش جوامع گذاشت. نابرابری در درآمد، بحران‌های مالی و حتی تخریب محیط زیست، از پیامدهای منفی این دوران بودند (درویشی و مومنی، ۱۴۰۰).

خانواده که همواره تحت تاثیر تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است در دوره نئولیبرالیسم هم با دگرگونی‌هایی مواجه گردید و تغییراتی را تجربه نمود. از آنجا که تاکید نئولیبرال‌ها بر فرد و فردگرایی است؛ ساختار خانواده سنتی ضعیف شد و نقش‌های خانوادگی تغییر پیدا کردند. کاهش ازدواج، افزایش نرخ طلاق، افزایش خانواده‌های تک‌والدی به خصوص خانواده‌هایی که مادر سرپرست خانوار بود، از تحولاتی است که خانواده با آن روبرو شد. با کاهش درآمدها و افزایش هزینه‌ها

<sup>1</sup>. Blakerowicz & Radzikowski

<sup>2</sup>. Neoliberal

<sup>3</sup>. Fredrich Hayek & Milton Friedman

که ناشی از سیاست‌های دولت بود، زنان، به طور گسترده‌تری به بازار کار پیوستند. این افزایش مشارکت زنان، ساختار نقش‌های ثابت جنسیتی که تا آن زمان وجود داشت را از بین برد. سیاست‌های مراقبتی و حمایتی مانند مهدکودک‌ها و کمک هزینه‌هایی که دولت رفاه ارائه می‌داد، در دوره نئولیبرالیسم، محدود گردید و بار این مسائل بر خانواده‌ها تحمیل گردید. خصوصی سازی خدمات عمومی نیز بر خانواده‌ها از جنبه‌های مختلف، فشار آورد و نابرابری را بین سطوح خانواده تشدید کرد. همه این نابرابری‌ها، تغییر نقش‌ها و کاهش حمایت‌ها از سمت دولت، فشارهای روانی و اقتصادی زیادی به همراه احساس ناامنی ناشی از این شرایط را بر خانواده‌ها وارد نمود (فراجینا، ۲۰۱۹).

با توجه به سیاست دولت حداقلی و کاهش نقش دولت در اقتصاد و جامعه، مداخله دولت در امور خانواده نیز به حداقل رسید. حمایت‌های مالی دولت از خانواده‌ها کاهش پیدا کردند یا حذف شدند. خصوصی سازی خدمات مربوط به امور خانواده، منجر به بیشتر شدن هزینه‌ها و کمتر شدن دسترسی به این خدمات شد. افزایش بیکاری و ناامنی‌های شغلی ناشی از کم شدن نقش دولت در تنظیم بازار، خانواده‌ها را با فشارهای روانی و اقتصادی روبرو ساخت. نقش دولت در مراقبت از کودکان و سالمندان کاهش یافت و این امور دوباره بر دوش خانواده‌ها افتاد درحالی‌که به دلایل مذکور و شرایط به وجود آمده، تقریباً تمام خانواده باید کار می‌کردند. در این زمان بود که نیاز به تعادل کار و زندگی بیشتر از پیش مشخص گردید. به دلیل شرایط موجود و افزایش هزینه‌های پرورش فرزند، نرخ تولد و فرزندآوری به شدت کاهش یافت و به مرور کشورها را با مسئله پیری جمعیت مواجه ساخت (کوک، ۲۰۱۲).

به طور کلی دولت حداقلی که پیشنهاد نئولیبرالیسم بود، مداخله حداقلی در امور خانواده داشت. اما با توجه به تغییراتی که در طول دوره‌های قبل در خانواده‌ها و ساختار و کارکردهایشان ایجاد شده بود، این مداخله حداقلی بار زیادی بر دوش خانواده‌ها تحمیل نمود.

### جهانی شدن و دوره پسامدرن<sup>۳</sup>

جهانی شدن پدیده‌ای است که در پی افزایش ارتباطها بین کشورها و تعاملات بین المللی در حوزه‌های مختلف فرهنگی و اقتصادی، مرزهای جغرافیایی و فرهنگی بین کشورها را کمرنگ نمود. پیشرفت‌های سریع علمی، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی مثل ماهواره‌ها، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی نقش بسزایی در فرآیند جهانی شدن داشتند. در خلال این دوران بانک‌های جهان یکپارچه شدند، تجارتهای بین‌المللی افزایش پیدا کردند و شرکت‌های چندگانه و چندملیتی گسترش یافتند. هر چند جهانی شدن باعث نزدیک‌تر شدن فرهنگ‌ها و کم شدن فاصله‌ها به شکل مجازی اتفاق افتاد اما

<sup>۱</sup>. Cook

<sup>۲</sup>. Globalization

<sup>۳</sup>. Postmodern

جوامع با مسائلی مانند مشکلات هویتی از یک سو و یا مقاومت فرهنگ‌ها در برابر فرآیند جهانی شدن از سوی دیگر، روبرو شدند. فرهنگ‌های محلی و بومی در فرآیند جهانی شدن تحت تاثیر فرهنگ جهانی قرار گرفتند و به حاشیه رفتند. این امر همچنین نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی را نیز جهانی کرد. برخی فرهنگ‌ها و برخی کشورها از این موضوع سود بردند اما بسیاری از فرهنگ‌ها تحت تاثیر این فرآیند از بین رفته یا نادیده گرفته شدند (کوک، ۲۰۰۶ و کال، ۲۰۱۲).

پست مدرنیسم در واکنش به فرهنگ و هنر و فلسفه دوره مدرن به وجود آمد. پسامدرنیته با شک به فراروایت‌هایی چون مارکسیسم، لیبرالیسم و ... آغاز شد. پست مدرنیست‌ها معتقد بودند که این روایت‌های بزرگ قادر به توضیح حقیقت و واقعیت نیستند و به این نتیجه رسید که هیچ حقیقت یا واقعیت مطلقی وجود ندارد بلکه ما با حقایق و واقعیات متنوع و مختلفی روبرو هستیم که با توجه به زمینه و شرایط فرهنگی، تاریخی و اجتماعی‌شان متعدد و متفاوت هستند. بنابراین پست مدرنیسم به تکثرگرایی و نسبی‌گرایی معتقد است (الاتی، ۲۰۱۶).

در دوران همپوشانی زمانی پسامدرنیسم و جهانی شدن، خانواده دچار تغییرات شگرف و عمیقی گردید. ساختار خانواده تحت تاثیر تحولات فرهنگی، اقتصادی و تکنولوژیکی، به شدت تغییر یافت (جهان‌گشا، ۱۴۰۲). ساختارهای سنتی خانواده مانند ساختار هسته‌ای متشکل از پدر و مادر و فرزندان، تقریباً به حاشیه رفت و ساختارهای متنوع و متعددی مانند خانواده‌های تک‌والد، هم‌جنس‌گرا، هم‌باشی، ازدواج سفید، خانواده‌های ترکیبی و دیگر ساختارهایی که هر روز به تعداد آن اضافه می‌گردد، جایگزین آن شدند. این تنوع و تعدد در ساختارها، انعکاس تکثرگرایی و نسبی‌گرایی دوره پست مدرن بود (نوبل، ۱۹۹۵). در این دوران، نقش‌های جنسیتی و تقسیم کار خانوادگی نیز دستخوش تغییرات فراوان شد. با اینکه در دوره‌های قبل، به دلیل مشارکت بیشتر زنان در بازار کار و اشتغال، نقش‌های جنسیتی متحول شده بود اما در این دوره این نقش‌ها به شکل مشخصی تغییر کرد (نوبل، ۱۹۹۵). به طوری که مرز بین نقش‌ها کاهش یافته و کار زنان در بیرون از خانه و کار مردان در نقش‌های مراقبتی داخل خانه عادی و معمول به نظر می‌رسید.

از سویی نیز با جهانی شدن و افزایش فناوری‌های اطلاعاتی و الکترونیک مانند اینترنت و فضای مجازی، ارتباط بین اعضای خانواده تحت تاثیر قرار گرفت و با آنکه انتظار می‌رفت ارتباط میان افراد و خانواده‌ها افزایش یابد و کیفیت بهتری پیدا کند، اما تحت تاثیر فرآیند جهانی شدن، بین اعضای خانواده فاصله ایجاد شد و درون خانواده‌ها، افراد به انزوا کشیده شدند. همچنین به دلیل فرآیند جهانی

<sup>1</sup>. Koc

<sup>2</sup>. Kaul

<sup>3</sup>. Elaati

<sup>4</sup>. Noble

شدن و پست مدرنیسم، هویت خانواده‌ها دچار چالش شد و بین ارزش‌های سنتی و مدرن در خانواده‌ها تعارض ایجاد گردید (ون دایک و هکر، ۲۰۰۳).

در این دوران میزان و نوع دخالت دولت در امور خانواده نیز پیچیده، چندگانه و چندوجهی شد. به دلیل ساختارهای متنوع خانواده، دولت باید تمهیداتی می‌اندیشید و سیاست‌ها را به گونه‌ای تدوین می‌نمود که حقوق افراد را تامین نماید و تمامی این مدل‌ها را پوشش دهد، همچنین تصمیم می‌گرفت که کدام نوع خانواده را به رسمیت بشناسد. اقتصاد جهانی، جهانی شدن و ارتباطات فراوان، مرزها را از بین برد و تعداد مهاجرت‌ها افزایش یافت و خانواده‌های چندملیتی و چندفرهنگی پدید آمدند. دولت‌ها برای چنین خانواده‌های نیز باید برنامه‌ریزی می‌کردند.

بدین ترتیب می‌توان گفت که سیاست‌های دولت‌ها در دوران پسامدرن و جهانی شدن، بیشتر به همان شکل رفاهی و حمایتی و به طور خاص حمایت از قشر کم درآمد، تک‌والد و خانواده‌هایی با نیازهای ویژه مانند معلولین یا بیماری‌های خاص بود. خدمات بهداشتی و مراقبت از فرزندان نیز در اختیار خانواده‌ها قرار داشت. دولت‌ها قوانین مربوط به ازدواج، طلاق، حضانت فرزندان، مالکیت اموال و مواردی از این دست را بر اساس اینکه چه نوعی از خانواده را به رسمیت شناخته باشند، تنظیم و اجرا می‌کردند (شرام، ۱۹۹۳). برنامه‌های آموزشی در مورد بهبود روابط، فرزندپروری و آموزش‌هایی به کودکان و نوجوانان در راستای آسیب‌پذیری کمتر در برابر خشونت‌ها و سوءاستفاده‌ها ارائه می‌شد. تعادل کار و زندگی به دلیل شرایط موجود در خط‌مشی‌گذاری‌های مربوط به امور خانواده پررنگ‌تر گردید. برنامه‌هایی برای حمایت از خانواده‌های چند ملیتی و چندفرهنگی و مهاجرین ارائه و اعمال می‌شد. همچنین به دلیل فشارهای گروه‌های حمایت از حقوق زنان، حقوق بشر و فمینیست‌ها و آگاهی جامعه از خشونت علیه زنان و کودکان، خدمات مشاوره، ایجاد پناهگاه، حمایت از قربانیان، قوانین پیشگیرانه و سختگیرانه‌ای در این رابطه در دستور کار دولت‌ها قرار گرفت. جریان‌های فمینیستی همچنین خواستار برابری و عدالت جنسیتی بودند و در همین راستا دولت‌ها در خط‌مشی‌گذاری‌های خود برنامه‌هایی برای ایجاد و استقرار برابری جنسیتی و برقراری تبعیض‌های مثبت در این مسیر در نظر گرفتند (دوهرتی، ۱۹۹۹).

با توجه به مسائل و ویژگی‌های فرآیند جهانی شدن و دوره پسامدرن می‌توان دریافت که دولت‌ها در این دوران، دخالت‌هایی غیر مستقیم و به عنوان تنظیم‌گر نسبت به امور خانواده داشته‌اند و بیشتر مداخله‌ها در جهت احقاق حقوق فردی افراد و حمایت از تنوع ساختار خانواده بوده است.

<sup>1</sup>. Van Dijk & Hacker

<sup>2</sup>. Schram

<sup>3</sup>. Doherty

## عصر دیجیتال و هوش مصنوعی<sup>۱</sup>

امروزه فناوری‌های دیجیتال، اطلاعات، داده و هوش مصنوعی در حال ایجاد تغییر و تحولات بسیاری در جوامع هستند. این تحولات بر جنبه‌های مختلف زندگی افراد تاثیر دارند. این عصر با پیشرفت‌های سریع در حوزه‌های اطلاعات و ارتباطات، از لحاظ اجتماعی، اقتصادی، فردی و فرهنگی زندگی بشر را تحت تاثیر و مورد تغییر و تحول قرار داده است (کستلز و کارسودو،<sup>۲</sup> ۲۰۰۶).

عصر دیجیتال با فناوری‌های به شدت پیشرفته خود که البته در حال پیشرفت روزافزون نیز هستند، انتقال اطلاعات و ایجاد ارتباطات بدون توجه به زمان و مکان را فراهم ساخته است. در کسری از ثانیه و در هر نقطه از جهان می‌توان اطلاعات را فرستاد و دریافت کرد و حتی با در هم شکستن مرزهای زبانی، در هر نقطه از دنیا بدون نیاز به دانستن زبان هر منطقه، امکان ایجاد ارتباط فراهم شده است (هریسون و توماس؛<sup>۳</sup> ۲۰۰۹). هوش مصنوعی با قابلیت‌های خود بازار کار، اتوماسیون و بسیاری از صنایع را دچار تغییراتی عمیق ساخته و به دلیل توانایی انجام کارهای پیچیده با دقت بالا و در زمانی اندک، امکان از بین رفتن بسیاری از مشاغل را نیز ایجاد کرده است (سوئیدان و شغاری؛<sup>۴</sup> ۲۰۲۴). هر چند بسیاری معتقدند که شغل‌ها از بین نمی‌روند اما روش انجام آن‌ها بسیار متفاوت خواهد بود (جورج؛<sup>۵</sup> ۲۰۲۴). با توجه به توانایی‌های در حال پیشروی هوش مصنوعی و حجم عظیم داده‌های در دسترس آن که به داده‌های بزرگ یا کلان داده‌ها معروف است؛ جوامع شاهد پیشرفت‌های چشمگیری در حوزه‌های سلامت، آموزش، کشاورزی، فقرزدایی و مدیریت بحران‌ها هستند که می‌تواند به بهبود شرایط زندگی افراد در جامعه منجر شود (علی و همکاران،<sup>۶</sup>). آموزش در این عصر در دسترس‌تر شده و دایره گسترده‌تری را به وجود آورده است و فضای یک کلاس را به پهنای جهان گسترده است. اقتصاد دیجیتال و ظهور پلتفرم‌ها نیز ساختار اقتصادی و اداری جامعه را تغییر و سبک کسب و کارها را متحول ساخته است (خوش‌نشین، دهنوی و خوش‌نشین، ۱۳۹۳). شبکه‌های اجتماعی و فضای دیجیتال با فراهم نمودن فضایی برای ارتباط فراتر از مرزهای جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی، جوامع را به سوی فرهنگ عامه و تغییر هویت‌های فردی سوق می‌دهند (مرادی و ثنایی‌ذاکر، ۱۳۹۵). هر چند در این عصر نیز به دلیل توانایی کشورهای توسعه یافته در دسترسی، بهره‌وری و استفاده از فناوری‌های دیجیتال و هوش مصنوعی در مقابل کشورهای در حال توسعه یا کمتر توسعه یافته، همچنان در جوامع نابرابری وجود خواهد داشت. یکی از نابرابری‌های نوظهور، ایجاد شکاف دیجیتال

<sup>1</sup>. Digital era & Artificial Intelligence

<sup>2</sup>. Castells & Cardoso

<sup>3</sup>. Harrison & Thomas

<sup>4</sup>. Soueidan & Shoghari

<sup>5</sup>. George

<sup>6</sup>. Ali

است که نابرابری در دسترسی، استفاده از فناوری‌ها، اطلاعات و ارتباطات را به وجود می‌آورد (ون‌دایک و هکر، ۲۰۰۳). موضوع دیگری که میتوان از چالش‌های این عصر به شمار آورد حجم زیادی از اطلاعات شخصی است که در این سیستم‌ها به گردش در می‌آیند، کنترل شخص را در مدیریت اطلاعات شخصی خود محدود می‌سازد و از این رو حریم خصوصی را تهدید می‌کند؛ همچنین سوءاستفاده از این اطلاعات و به وجود آمدن خشونت و جرایم سایبری را امکان‌پذیر می‌سازد (پیترسون و دنزلی، ۲۰۱۷ و برسون، برسون و فرون ۲۰۰۲).

در این دوره نیز مانند ادوار پیشین شرایط محیطی اجتماعی و تحولات ناشی از ظهور هوش مصنوعی و فناوری‌های دیجیتال، ساختار و کارکرد خانواده را دستخوش تغییر کرده و بیش از پیش مورد چالش قرار داده است. به طور کلی می‌توان گفت تحولات این دوره نوع مسائل خانواده را متحول ساخته است. به نظر می‌رسد با انفجار اطلاعاتی که بشر با آن روبروست و دستیابی به انواع اطلاعات، به خصوص در مورد کنترل تولد، می‌توان کوچک و کوچکتر شدن خانواده‌ها را انتظار داشت. در این دوره نیز مانند دوره پسامدرن، همچنان تعداد خانواده‌های تک‌والد و تنوع خانواده رو به افزایش است. تغییر در نقش‌های جنسیتی همچنان ادامه دارد و شیوه‌های تربیتی و ارتباطی درون خانواده نیز در حال تغییر است.

اما هوش مصنوعی علیرغم فرصت‌هایی که در زمینه‌های آموزشی، بهداشت و سلامت و ارتباطات ایجاد کرده است، خانواده را با چالش‌های بسیاری روبرو ساخته است. افراد خانواده به شدت به این ابزار و دنیای مجازی وابسته شده‌اند که این وابستگی آنها را در حقیقت از هم دور نموده و افراد را به انزوا کشانیده است (اونیتور و اوکپارا، ۲۰۱۹). حریم خصوصی خانواده‌ها مورد تهدید واقع شده است. شیوه‌های تربیتی با چالش روبرو شده و نگرانی‌های بسیاری نیز در زمینه امنیت روانی، اجتماعی کودکان به هنگام استفاده از این فناوری‌ها، وجود دارد (رضایی و حسینی سورکی، ۱۴۰۳). آگاهی و سواد دیجیتال نیز از مواردی است که امروزه به دغدغه افراد جامعه، خانواده‌ها، دولت و دیگر بازیگران این عرصه تبدیل شده است (الفیر، ۲۰۲۴).

در پی تغییر و تحولات عظیم خانواده، دولت‌ها نیز با توجه به این موارد، مسائل جدید ناشی از عصر فناوری و هوش مصنوعی، اقدام به برنامه‌های خاصی نمودند. اغلب این سیاست‌ها، دستورالعمل‌های حمایتی و مراقبتی هستند. سیاست‌هایی از قبیل تعادل زندگی و کار، خدمات مراقبتی از کودکان و سالمندان، ساعات انعطاف‌پذیر کاری، دورکاری و کار موقت و مرخصی‌های والدین از این دسته هستند (کیان و هو، ۲۰۲۴). حمایت از خانواده‌ها در برابر چالش‌های هویتی و فرهنگی، تبعیض‌های ایجاد

<sup>1</sup>. Peterson & Densley

<sup>2</sup>. Berson, Berson & Ferron

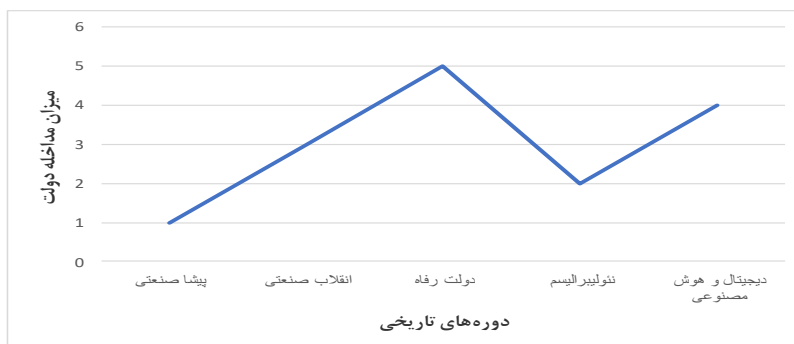
<sup>3</sup>. Onyeator & Okpara

<sup>4</sup>. Alfeir

<sup>5</sup>. Qian & Hu

شده، دغدغه‌های امنیت سایبری، مدیریت داده‌های شخصی، حفظ حریم خصوصی، افزایش آگاهی و سواد دیجیتال، اطمینان از در دسترس بودن و امکان استفاده از فناوری‌ها، مقابله با خشونت سایبری و حمایت از قربانیان جرایم سایبری از جمله مواردی هستند که در دستور کار دولت‌ها قرار گرفته‌اند. برای مثال، در زمینه آموزش کودکان، فنلاند در مدارس برنامه‌ها را دیجیتالی‌سازی و آنلاین کرده است تا کودکان از همان ابتدا مهارت استفاده و سواد دیجیتال را بیاموزند! استرالیا با اجرای برنامه دیجیتالی «برنامه ملی اقدام به کاهش خشونت علیه زنان و فرزندان ۲۰۳۲-۲۰۲۲» اقدام به ارائه مشاوره‌های آنلاین و برنامه دیجیتال پناهگاه‌های امن کرده است.<sup>۲</sup> دولت آلمان نیز با استفاده از برنامه‌هایی مانند «ادغام دیجیتال خانوادگی مهاجر» سیستم حمایتی‌ای ایجاد کرده است تا مهاجرین بتوانند از فناوری‌های دیجیتال و هوش مصنوعی برای بهبود ارتباطات و بهره‌مندی از خدمات استفاده کنند.<sup>۳</sup> در سال ۲۰۲۱ آمریکا برای دسترسی عموم به فناوری‌ها، برنامه‌هایی مانند «اینترنت برای همه» و «کمک به فناوری خانواده‌ها» را در دستور کار خود قرار داده بود تا دسترسی را برای افراد کم‌درآمد نیز فراهم سازد؛ البته این برنامه به دلیل کمبود بودجه در سال ۲۰۲۴ متوقف گردید.<sup>۴</sup>

با توجه به شرایط، زمینه‌ها و چالش‌های عصر دیجیتال و هوش مصنوعی می‌توان ضرورت مداخله دولت برای حمایت، حفاظت، ایجاد امنیت، مقابله با تبعیض‌ها، ارائه خدمات آموزشی و مواجهه با دیگر فرصت‌ها و چالش‌های این دوره را دریافت. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که به تبع شرایطی که این دوران به همراه دارد، مداخله دولت و نیاز به حضور مسائل خانواده در برنامه‌ها و خط‌مشی‌گذاری‌ها، افزایش یافته است.



شکل ۱- نمودار میزان مداخله دولت در دوره‌های تاریخی

<sup>1</sup>. (Arctic Education): <https://www.educationinland.fi/members/arctic-education>

<sup>2</sup>. The National Plan to End Violence against Women and Children 2022-2032

<http://www.dss.gov.au/the-national-plan-to-end-violence-against-women-and-children/the-national-plan-to-end-violence-against-women-and-children-2022-2032>

<sup>3</sup>. Immigration and digitalization: <https://www.bosch-stiftung.de/en/stories/immigration-and-digitalization>

<sup>4</sup>. Affordable Connectivity Program: <https://govtphones.org/blog/history-acp-program>

## نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حکمرانی خانواده، به‌مثابه یکی از بنیادی‌ترین عرصه‌های سیاست‌گذاری عمومی، همواره در تعامل پویا با تحولات تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع شکل گرفته است (جدول ۱). مطالعه تطبیقی روندهای مداخله دولت‌ها در حوزه خانواده آشکار می‌سازد که این مداخلات نه خطی و نه ایستا، بلکه متأثر از تغییر پارادایم‌های کلان حکمرانی بوده‌اند؛ به‌گونه‌ای که از عدم مداخله مستقیم در جوامع پیشاصنعتی، به سیاست‌های حمایت‌محور دولت رفاه، سپس کاهش تصدی‌گری در دوره نئولیبرالیسم و نهایتاً به الگوهای تنظیم‌گری هوشمند و چندسطحی در عصر دیجیتال و پست‌مدرن رسیده‌اند. این سیر تحول، بیانگر آن است که خانواده همواره در کانون بازتعریف نقش دولت قرار داشته و حکمرانی آن، بازتابی از منطق غالب حکمرانی در هر دوره تاریخی بوده است (شکل یک).

در عصر حاضر، هم‌زمان با گسترش فناوری‌های دیجیتال، پلتفرم‌های هوشمند و هوش مصنوعی، حکمرانی خانواده با چالش‌ها و فرصت‌های بی‌سابقه‌ای مواجه شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که الگوهای کلاسیک مداخله دولت، مبتنی بر حمایت‌های یک‌سویه یا تنظیم‌گری سخت، دیگر پاسخ‌گوی پیچیدگی‌های زیست‌بوم خانواده در عصر دیجیتال نیستند. در چنین شرایطی، حکمرانی خانواده نیازمند رویکردی خانواده‌محور، پویا و تطبیقی است که بتواند هم‌زمان سه بعد مکمل حمایتی، تنظیم‌گری و توانمندسازی را به‌صورت هم‌افزا پوشش دهد. این سه‌گانه، چارچوبی نوین برای بازتعریف نقش دولت در قبال خانواده فراهم می‌آورد؛ نقشی که نه به مداخله حداکثری می‌انجامد و نه به کناره‌گیری حداقلی، بلکه مبتنی بر تنظیم‌گری هوشمند و متناسب با تحولات فناورانه است.

از منظر تطبیقی، این پژوهش با عبور از رویکردهای دوگانه مداخله/عدم مداخله، نشان می‌دهد که حکمرانی موفق خانواده در کشورهای مختلف، بیش از آنکه به میزان مداخله دولت وابسته باشد، به کیفیت، انعطاف‌پذیری و هوشمندی این مداخله وابسته است. به‌ویژه در عصر دیجیتال، سیاست‌گذاری خانواده باید به‌صورت چندسطحی و مشارکت‌محور طراحی شود و ضمن حفاظت از بنیان‌های هویتی و فرهنگی خانواده، ظرفیت‌سازی آن با تحولات سریع فناوری را تقویت کند. از این رو، درک تاریخی و تطبیقی روندهای مداخله دولت، نه‌تنها یک ضرورت نظری، بلکه یک الزام راهبردی برای خط‌مشی‌گذاران معاصر به شمار می‌آید.

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود تدوین «سند راهبردی حکمرانی خانواده در عصر دیجیتال» با مشارکت نهادهای حاکمیتی، علمی، بخش خصوصی و جامعه مدنی در دستور کار قرار گیرد. این سند می‌تواند با پیش‌بینی سازوکارهای ارزیابی مستقل، طراحی شاخص‌های ترکیبی نظیر

«تاب‌آوری دیجیتال خانواده» و اجرای پروژه‌های پایلوت نوآورانه، از جمله بهره‌گیری از هوش مصنوعی در خدمات مشاوره و حمایت خانوادگی، زمینه تحقق حکمرانی هوشمند خانواده را فراهم آورد. در نهایت، این پژوهش تأکید می‌کند که خانواده، به‌عنوان سلول بنیادین جامعه، در عصر دیجیتال بیش از هر زمان دیگری نیازمند حکمرانی هوشمند، تنظیم‌گر و توانمندساز است؛ حکمرانی‌ای که بتواند ضمن صیانت از کارکردهای سنتی خانواده، بستر تکامل نقش‌های نوین آن را نیز فراهم سازد و نقش خانواده را در تحقق توسعه پایدار و انسجام اجتماعی تضمین نماید.

### پیشنهادات سیاستی برای مداخله دولت در حوزه خانواده در ایران

با توجه به ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و هویتی جامعه ایرانی، مداخله دولت در حوزه خانواده باید مبتنی بر الگوی حکمرانی بومی و خانواده‌محور طراحی شود. در این راستا، پیشنهاد می‌شود دولت از رویکردهای جزیره‌ای و مقطعی فاصله گرفته و به سمت سیاست‌گذاری یکپارچه، داده‌محور و آینده‌نگر حرکت کند. تقویت نظام تنظیم‌گری هوشمند در فضای دیجیتال با هدف صیانت از کودکان و خانواده، توسعه نظام‌های حمایتی هدفمند برای خانواده‌های آسیب‌پذیر در مواجهه با تحولات بازار کار دیجیتال، و سرمایه‌گذاری گسترده در آموزش سواد رسانه‌ای و دیجیتال اعضای خانواده، از مهم‌ترین محورهای مداخله دولت محسوب می‌شوند. علاوه بر این، ایجاد نهاد ناظر تخصصی در حوزه تأثیر فناوری‌های نوین بر خانواده ایرانی و بهره‌گیری کنترل‌شده از ظرفیت هوش مصنوعی در مشاوره، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و تقویت کارکردهای تربیتی خانواده، می‌تواند الگویی نوین از حکمرانی خانواده متناسب با ارزش‌های ایرانی-اسلامی و مقتضیات عصر دیجیتال ارائه دهد.

جدول ۱- مقایسه روندهای مداخله دولت در خانواده در دوره‌های مختلف

دوره تاریخی	نقش دولت در خانواده	ویژگی‌های خانواده	نوع سیاست‌های دولتی
پیشاصنعتی	حداقل مداخله، اتکا به نهادهای مذهبی	خانواده گسترده، اقتصاد کشاورزی، وابستگی خانوادگی بالا	مداخله غیرمستقیم از طریق کلیسا، قوانین ازدواج و اخلاق اجتماعی
صنعتی شدن	افزایش مداخله برای مدیریت مشکلات صنعتی شدن	گسترش خانواده هسته‌ای، ورود زنان و کودکان به کار	قوانین کار، منع کار کودکان، گسترش آموزش عمومی
دولت رفاه	حمایت گسترده از خانواده	گسترش خانواده هسته‌ای، ورود زنان و کودکان به کار	قوانین کار، منع کار کودکان، گسترش آموزش عمومی، سیاست‌های رفاهی، مراقبتی، گسترش مهدکودک‌ها، گسترش خدمات بهداشتی
نئولیبرالیسم	کاهش نقش دولت، سیاست‌های حداقلی	رشد فردگرایی، افزایش طلاق و خانواده‌های تک‌والد	کاهش حمایت‌های دولتی، خصوصی‌سازی خدمات اجتماعی
عصر دیجیتال و	مداخله تنظیم‌گرانه برای حمایت از خانواده در برابر	تغییر ساختار خانواده، نقش پررنگ فناوری در زندگی	سیاست‌های حریم خصوصی، سواد دیجیتال، تعادل کار و زندگی

		چالش‌های فناوری	هوش مصنوعی
--	--	-----------------	------------

### منابع فارسی:

- ۱- اکبرالسادات. زد و فرقدانی. م. (۱۳۸۶). جهانی شدن، تعاریف، ویژگی‌ها و مبانی. همایش بین‌المللی مراکز تحقیق و توسعه (جهانی شدن تحقیق و توسعه). <https://sid.ir/paper/805294/fa>.
- ۲- الوانی. س. م. (۱۴۰۲). تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی. انتشارات سمت. تهران.
- ۳- باقری. ش. (۱۴۰۳). سیاست‌گذاری و حکمرانی در حوزه زنان و خانواده. انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی. تهران.
- ۴- باقری. ش. زارعان. م. و برزگز. خ. (۱۳۹۸). سیاست‌گذاری خانواده؛ الگوهای تعامل دولت و خانواده. *اسلام و علوم اجتماعی*. ۱۱ (۲۱): ۱۵۲-۱۳۵.
- ۵- باقری. ش. (۱۳۸۳). خانواده و سیاست‌گذاری اجتماعی در عرصه ملی و فراملی. *مطالعات راهبردی زنان*. ۷ (۲۵).
- ۶- پرکت، جی. ال. (۱۳۸۹). دولت رفاه (۱). *بررسی‌های بازرگانی، دوره جدید*. ۸ (۴۱): ۴۷-۵۹. <https://sid.ir/paper/451076/fa>

- ۷- پورعزت. ع. ا. و الوانی. س. م. (۱۳۸۳). مبانی منطقی طراحی سیستم خط مشی گذاری دولتی برای تحقق عدالت حق مدار (براساس نهج البلاغه). *دانشور رفتار*، ۱۱(۵) (ویژه مقالات مدیریت ۲)، ۳۸-۱۱. <https://sid.ir/paper/46354/fa>
- ۸- جهان بین. ف. و مطلبی. م. (۱۴۰۳). ارائه چرخه سیاست‌گذاری عمومی ارتقا یافته در فرآیند فهم و حل مسائل عمومی. *سیاست پژوهی تحول در علوم انسانی*. ۳(۲). ۱۰۴-۷۹.
- ۹- جهانگشا. ف. (۱۴۰۲). خانواده و چالش‌های پست مدرنیسم. ششمین همایش بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی. همدان، <https://civilica.com/doc/1968167>
- ۱۰- حاجی عباسی. ح. (۱۳۹۹). معرفی تفکر طراحی در سیاست گذاری: سیاست‌های ایران در مقابله با کرونا. *سیاست نامه علم و فناوری*. ۱۰(۲). ۹۸-۹۳.
- ۱۱- خوش‌نشین. ز.، احمدلو. م. و خوش‌نشین. م. ر. (۱۳۹۳). چالش‌های فرهنگی- آموزشی عصر دیجیتال و ضرورت توجه به آموزش. *مهندسی فرهنگی*. ۷۹: ۹۳-۷۹.
- ۱۲- دانایی فرد. حسن. و ولی اصل. ج. (۱۳۹۷). سازوکارهای ارتقای کیفیت سیاست‌گذاری عمومی در ایران. *دولت پژوهی*. ۴(۱۶). ۱۴۳-۱۰۹. Doi: 10.22054/tssq.2019.9593
- ۱۳- درویشی. ه. و مومنی. س. (۱۴۰۰). بورديو و مساله نئولیبرالیسم. *جامعه، فرهنگ، رسانه*. ۱۰(۳۹): ۸۷-۱۰۲. <https://sid.ir/paper/1031527/fa>
- ۱۴- دلاور، ع. (۱۳۹۰). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. انتشارات رشد. تهران.
- ۱۵- رضایی. ح. و حسینی سورکی. س. م. (۱۴۰۳). چالش‌های اخلاقی والدگری در عصر دیجیتال. *اخلاق و حیانی*. ۳(پیاپی ۳۲). ۹۷-۱۳۲.
- ۱۶- زاهدی مازندرانی. م. ج. (۱۳۷۹). ظهور و افول دولت رفاه. *تامین اجتماعی*. ۲(۳). ۱۶۴-۱۲۹.
- ۱۷- ساروخانی. ب. (۱۳۹۸). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. انتشارات سروش. تهران.
- ۱۸- سرمد. ز.، بازرگان. و و حجازی. ا. (۱۳۹۰). روش تحقیق در علوم رفتاری. انتشارات آگه. تهران.
- ۱۹- شعریاف شعار. ن. و احمدی. س. (۱۳۸۷). جنسیت، کار، خانواده و دولت‌های رفاه: کشورهای حوزه نوردیک در چشم اندازی تطبیقی. *تامین اجتماعی*. ۱۰(۲ و ۱ پیاپی ۳۲ و ۳۳): ۱۵۴-۱۳۵.
- ۲۰- لیبی. م. م. (۱۳۹۳). خانواده در قرن بیست و یکم. نشر علم. تهران.
- ۲۱- مرادی. ع. و ثنایی ذاکر. ب. (۱۳۹۵). تاثیر فناوری‌های نوین ارتباطی بر سبک‌های هویت. همایش بین المللی افق‌های نوین در علوم تربیتی، روانشناسی و آسیب‌های اجتماعی. تهران، <https://civilica.com/doc/609936>
- ۲۲- نوبخت. م.، عظیمی. م. و همایونی دمیرچی. ا. (۱۴۰۱). تحلیل انتقادی استعاره سیاست‌گذاری و اجرای سیاست: ارائه استعاره‌های بدیل. *پژوهش‌های راهبردی سیاست*. ۱۱(۴۱). ۱۷۳-۱۴۵.

Doi: 10.22054/qps.2022.66610.3003

۲۳- هدایت‌نیا گنجی. ه. ا. (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری و سیاست‌های کلی خانواده. *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*. ۱۰ (۳- شماره پیاپی ۲۸). ۹۵-۱۲۱.

Doi: 10.22034/pzk.2022.11982.1818

### References:

1. Adams, J. (2005). The rule of the father: Patriarchy and patrimonialism in early modern Europe. *Max Weber's economy and society: A critical companion*, 7(2), 237-266.
2. Alfeir, N. M. (2024). Dimensions of artificial intelligence on family communication. *Frontiers in Artificial Intelligence*, 7, 1398960
3. Ali, A., Qadir, J., Rasool, R. U., Sathiaselan, A., Zwitter, A., & Crowcroft, J. (2016). Big data for development: applications and techniques. *Big Data Analytics*, 1, 1-24.
4. Alvani, S M. (2023). Decision-making and determination of governmental policy. Samt Publication. Tehran. (In Persian)
5. Balcerowicz, L., & Radzikowski, M. (2018). The case for a targeted criticism of the welfare state. *Cato J.*, 38, 1.
6. Bagheri, SH. (2024). Policymaking and governance in the field of women and family. Allame Tabatabaei University Publications. (In Persian)
7. Bagheri, S., Zarean, M., & Barzegar, K. (2019). Family Policy; Models of the Family-State Relationship. *Journal of Islam and Social Sciences*, 11(21), 135-152. doi: 10.30471/soci.2019.1607. (In Persian)
8. Bagheri, SH. (2004). Family and social policymaking in the national and transnational arenas. *Strategic Women's Studies*, 25, 179-152. (In Persian)
9. Barker, H. (2017). *Family and business during the industrial revolution* (p. 280). Oxford University Press.
10. Berger, L. M., & Carlson, M. J. (2020). Family policy and complex contemporary families: A decade in review and implications for the next decade of research and policy practice. *Journal of Marriage and Family*, 82(1), 478-507.
11. Berson, I. R., Berson, M. J., & Ferron, J. M. (2002). Emerging risks of violence in the digital age: Lessons for educators from an online study of adolescent girls in the United States. *Journal of School Violence*, 1(2), 51-71.
12. Bogenschneider, K. (2014). *Family policy matters: How policymaking affects families and what professionals can do*. Routledge.
13. Bogenschneider, K., & Corbett, T. J. (2010). Family policy: Becoming a field of inquiry and subfield of social policy. *Journal of Marriage and Family*, 72(3), 783-803.
14. Bogenschneider, K. (2006). Teaching family policy in undergraduate and graduate classrooms: Why it's important and how to do it better. *Family Relations*, 55(1), 16-28.

15. Briggs, A. (1961). The welfare state in historical perspective. *European Journal of Sociology/Archives europeennes de sociologie*, 2(2), 221-258.
16. Carl, J. (2009). Industrialization and public education: Social cohesion and social stratification. In *International handbook of comparative education* (pp. 503-518). Dordrecht: Springer Netherlands.
17. Castells, M., & Cardoso, G. (Eds.). (2006). *The network society: From knowledge to policy* (pp. 3-23). Washington, DC: Johns Hopkins Center for Transatlantic Relations.
18. Cook, K. (2012). Neoliberalism, welfare policy and health: A qualitative meta-synthesis of single parents' experience of the in high-income countries: Five decades of development. *Journal of European Social Policy*, 28(3), 255-270.
19. Darvishi, H. and momeni, S. (2021). Bourdieu and the issue of neoliberalism. *Society Culture Media*, 10(39), 87-102. (In Persian)
20. Danaee fard, H. and Vali Asl, J. (2019). Exploring and identifying the mechanisms of improving quality of public policies in Iran: a mixed-method research. *State Studies*, 4(16), 109-143. doi: 10.22054/tssq.2019.9593. (In Persian)
21. Delavar, A. (2011). Theoretical and practical foundations of research in the humanities and social sciences. Roshd Publications. Tehran. (In Persian)
22. Doherty, W. J. (1999). Postmodernism and family theory. In *Handbook of marriage and the family* (pp. 205-217). Boston, MA: Springer US.
23. Duvander, A. Z. (2008). Family policy in Sweden: An transition from welfare to work. *Health*, 16(5), 507-530
24. Daly, M., & Ferragina, E. (2018). Family policy
25. overview. *Social insurance report*, 15, 1-18.
26. Ehmer, J. (2021). A historical perspective on family change in Europe. In *Research handbook on the sociology of the family* (pp. 143-161). Edward Elgar Publishing.
27. Elaati, A. (2016). Postmodernism theory. *Research Gate*, 1-6.
28. Esping-Andersen, G. (1996). Welfare states without work: The impasse of labour shedding and familialism in continental European social policy. *Welfare states in transition*, 66-87.
29. Ferragina, E. (2019). The political economy of family policy expansion: Fostering neoliberal capitalism or promoting gender equality supporting social reproduction? *Review of International Political Economy*, 26(6), 1238-1265.
30. Fleckenstein, T. (2011). The politics of ideas in welfare state transformation: Christian democracy and the reform of family policy in Germany. *Social politics*, 18(4), 543-571.

31. George, A. S. (2024). Artificial intelligence and the future of work: Job shifting not job loss. *Partners Universal Innovative Research Publication*, 2(2), 17-37.
32. Glukhikh, I. A. (2023). philosophical and sociological analysis of the concepts "family" and "substitute family". *вестник пермского национального исследовательского политехнического университета. Социально-экономические науки*, (4), 99-111.
33. Goode, W. J. (1962). The role of the family in industrialization. *Science, Technology, and Development*, 7, 32.
34. Hajiabbasi, H. (2020). Introducing Design Thinking to Policymaking: Iranian Policies against Coronavirus (COVID-19 crisis). *Science and Technology Policy Letters*, 10(2), 83-98.
35. Harrison, R., & Thomas, M. (2009). Identity in online communities: Social networking sites and language learning. *International Journal of Emerging Technologies and Society*, 7(2), 109-124.
36. Hedayatnia Ganji, F. (2022). The Pathology of Policy-Making and General Family Policies. *The Islamic Journal of Women and The Family*, 10(3), 95-121. doi: 10.22034/pzk.2022.11982.1818
37. Horrell, S., & Humphries, J. (1997). The origins and expansion of the male breadwinner family: The case of nineteenth-century Britain. *International Review of Social History*, 42(S5), 25-64.
38. Hoseini sourski, S. M. and Rezaei, H. (2024). Ethical challenges of parenting in the digital. *Revelatory Ethics*, 14(3), 97-132. doi: 10.22034/ethics.2024.478425.2011. (In Persian)
39. Jahanbin, F. and motallebi, M. (2024). Providing a strengthened public policy cycle in the process of understanding and solving public issues. *Transformations in Human Science*, 3(2), 79-104. (In Persian)
40. Jahangosh, F. (2023). Family and the Challenges of Postmodernism. Sixth International Conference on Psychology, Educational Sciences and Social Studies. Hamedan. (In Persian)
41. Kaul, V. (2012). Globalisation and crisis of cultural identity. *Journal of Research in International Business and Management*, 2(13), 341-349.
42. Khoshneshin, Z., Ahmadloo Dehnavi, M. & Khoshneshin, M R. (2014). Cultural-educational challenges of the digital age and the need to pay attention to education. *Cultural Engineering*, 8 (79), 93-79. (In Persian)
43. Koc, M. (2006). Cultural identity crisis in the age of globalization and technology. *Turkish Online Journal of Educational Technology-TOJET*, 5(1), 37-43.
44. Koskimaa, V., & Rapeli, L. (2025). *Advancing Future-Orientation in Policymaking: Institutions, Individuals and Risks* (p. 180). Taylor & Francis.
45. Labibi, M. M. (2014). *The Family in the Twenty-First Century*. Elm Publications. Tehran. (In Persian)

- 46.Laslett, P. (1970). The comparative history of household and family. *Journal of social history*, 4(1), 75-87.
- 47.Levine, D. (1985). Industrialization and the proletarian family in England. *Past & Present*, 107(1), 168-203.
- 48.Macfarlane, A. (1979). The Family, Sex and Marriage in England 1500-1800. *History of theory*. 18(1). 126-103
- 49.Martin, C. (2010). The reframing of family policies in France: processes and actors. *Journal of European Social Policy*, 20(5), 410-421.
- 50.Moradi, A. & Sanaei Zaker. B. (2016). The impact of new communication technologies on identity styles. International Conference on New Horizons in Educational Sciences, Psychology and Social Problems. Tehran. (In Persian)
- 51.Mosafa Montagmi, F. (2010). Welfare state. *Business review*, 41, 59-47. (In Persian)
- 52.Nobakht, M., Azimi, M. and Homayeni Demirchi, A. (2022). Critical Analysis of Policy Making and Policy Implementation Metaphor: Presenting Alternative Metaphors. *Political Strategic Studies*, 11(41), 145-173. doi: 10.22054/qps.2022.66610.3003
- 53.Noble, T. (1995). The nuclear family and postmodern theory. *Hitotsubashi journal of social studies*, 127-143.
- 54.Nudzor, H. (2009). What is “policy”, a problem: solving definition or a process conceptualisation. *Educational futures*, 2(1), 85-96.
- 55.O'Connor, J. S., Orloff, A. S., & Shaver, S. (1999). *States, markets, families: Gender, liberalism and social policy in Australia, Canada, Great Britain and the United States*. Cambridge University Press.
- 56.Ogilvie, S. (1996). The beginnings of industrialization. *Germany: a new social and economic history*, 2, 1630-1800
- 57.Onyeator, I., & Okpara, N. (2019). Human Communication in a Digital Age: Perspectives on Interpersonal communication in the family. *New Media and Mass Communication*, 78(1), 35-45.
- 58.Peterson, J., & Densley, J. (2017). Cyber violence: What do we know and where do we go from here? *Aggression and violent behavior*, 34, 193-200.
- 59.Pfister, U. (2009, August). German Economic Growth, 1500-1850. In *Historisches Seminar, Westfälische Wilhelms-Universität Münster*.
- 60.Probert, R. (2009). Control over marriage in England and Wales, 1753–1823: The Clandestine Marriages Act of 1753 in context. *Law and History Review*, 27(2), 413-450.
- 61.Pourezat, A., & Alvani, S. (2004). The Logical Principles of Designing Public Policy Making System to Achieve Truth-Oriented Justice. *Commercial Strategies*, 2(5), 11-38.
- 62.Qian, Y., & Hu, Y. (2024). The digitalization of family life: A multilevel conceptual framework. *Journal of Marriage and Family*, 86(5), 1160-1183.

63. Robila, M. (2014). *Handbook of family policies across the globe* (Vol. 10). New York: Springer.
64. Robila, M. (2004). Families in Eastern Europe: Context, trends and variations. In *Families in eastern Europe* (pp. 1-14). Emerald Group Publishing Limited.
65. Sainsbury, D. (1999). Gender and social-democratic welfare states. *Gender and welfare state regimes*, 75-114.
66. Sarmad, Z., Bazargan, A. & Hijazi, E. (2011). Research methods in behavioral sciences. Agah Publications. Tehran. (In Persian)
67. Sarukhani, B. (2019). An Introduction to the Sociology of the Family. Soroush Publications. Tehran. (In Persian)
68. Seccombe, W. (1990). The Western European marriage pattern in historical perspective: A response to David Levine. *Journal of Historical Sociology*, 3(1), 50-74.
69. Schram, S. F. (1993). Postmodern policy analysis: Discourse and identity in welfare policy. *Policy Sciences*, 26(3), 249-268.
70. Sharma, R. (2013). The family and family structure classification redefined for the current times. *Journal of family medicine and primary care*, 2(4), 306-310.
71. Sheerbaaf, N. (2008). Gender, work, family and welfare states: Nordic countries in an adaptive perspective. *Social Security Journal*, 10(32-33), 135-154. (In Persian)
72. Soueidan, M. H., & Shoghari, R. (2024). The impact of artificial intelligence on job loss: risks for governments. *Technium Soc. Sci. J.*, 57, 206.
73. Stone, L. (1979). *The family, sex and marriage in England 1500-1800* (Vol. 43). Harmondsworth: Penguin.
74. Thelen, K. (2009). Institutional change in advanced political economies. *British Journal of Industrial Relations*, 47(3), 471-498.
75. Trask, B. S. (2011). Globalization and families: Meeting the family policy challenge. *ЛН Гумилев атындағы Еуразия ұлттық университетінің ХАБАРШЫСЫ*.
76. The Vanier Institute of the Family. (2024). Definition of Family. <https://doi.org/10.61959/d232856>
77. Van Dijk, J., & Hacker, K. (2003). The digital divide as a complex and dynamic phenomenon. *The information society*, 19(4), 315-326.
78. Yerli, K. (2020). The Elizabethan Poor Law of 1601 as a result of socio-political and economic conditions of the sixteenth century England. *Turkish Journal of Applied Social Work*, 3(1), 88-99.
79. Zahedi Mazandarani, M. (2000). The Rise and Fall of the Welfare State. *Social Security Journal*, 2(3), 129-164. (In Persian).